

بہار

گزارش رصد فرهنگی

(۳۶)



احساس امنیت و ناامنی از منظر اجتماعی و فرهنگی

نگرشی فرهنگی به بحران مسمومیت
دختران در مدارس

اسفند ۱۴۰۱

مرکز رصد فرهنگی کشور



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: احساس امنیت و ناامنی از منظر اجتماعی و فرهنگی؛ نگرشی فرهنگی به بحران مسمومیت

دختران در مدارس

تهیه و تنظیم: مرکز رصد فرهنگی کشور

صفحه‌آرایی: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

گزارش در یک نگاه.....	۱
مقدمه.....	۵
ادبیات مفهومی و نظری امنیت.....	۷
چارچوب نظری و تحلیلی.....	۱۴
وضعیت اعتماد نهادی در ایران.....	۱۶
گزارش نظرسنجی احساس ناامنی.....	۳۱
عملکرد رسانه‌های.....	۳۳
مواجهه خانواده‌ها با بحران.....	۷۳
رفتن یا نرفتن بچه‌ها به مدرسه.....	۸۳
تقویت راهکارهای امنیتی.....	۴۱
همبستگی و حل ریشه‌ای مسئله.....	۴۲
منابع خبری و میزان حساسیت.....	۴۳
روز ۱۳ اسفند، گسترش نگرانی.....	۴۴
چند نکته سیاسی.....	۴۴
ناامنی.....	۴۴
ابهام.....	۴۵
انکار.....	۴۵
غیاب.....	۴۶
حضور.....	۴۶
بازی.....	۴۷
صراحت.....	۴۷
جمع‌بندی.....	۴۸
فهرست منابع.....	۴۹

فهرست جدول‌ها

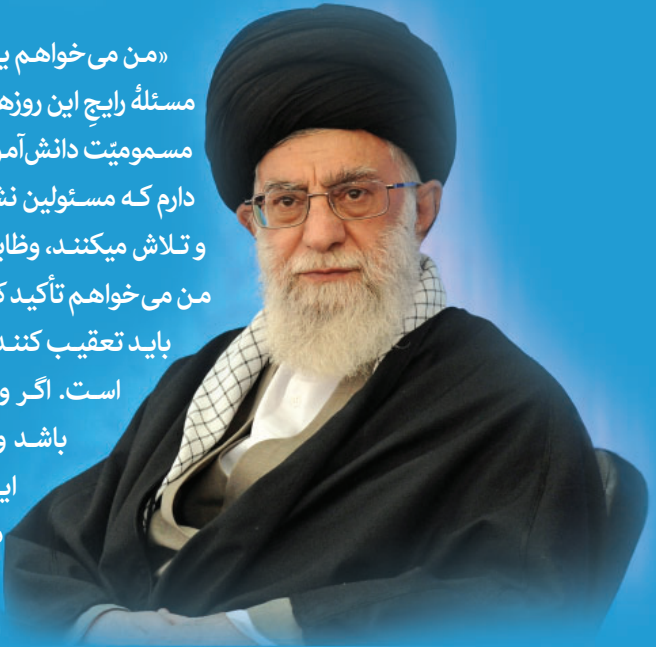
- جدول ۱: توزیع درصد فراوانی اعتماد به حرفه‌ها (سال ۹۳ و ۹۷)..... ۶۱
- جدول ۲: روند میزان اعتماد به گروه‌های شغلی (۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)..... ۷۱
- جدول ۳: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به سازمان‌های مختلف ۰۲
- جدول ۴: توزیع درصدی اعتماد به سازمان‌ها (۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)..... ۴۲
- جدول ۵: روند تغییرات نگرش عمومی در مورد «موفقیت نظام در حل مشکلات» طی سال‌های مختلف... ۲۶
- جدول ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنها از میزان محبوبیت آقای رئیسی به تفکیک جنس، سن و تحصیلات ۳۰
- جدول ۷: میزان اطلاع از مسمومیت‌ها و حواشی آن (اسفند ۱۴۰۱)..... ۲۳
- جدول ۸: میزان احساس ناامنی از اخبار مربوط به مسمومیت‌ها و حواشی آن (اسفند ۱۴۰۱)..... ۲۳
- جدول ۹: احساس ناامنی بر حسب جنسیت (اسفند ۱۴۰۱)..... ۲۳
- جدول ۱۰: احساس ناامنی بر حسب منبع کسب خبر (اسفند ۱۴۰۱)..... ۳۳
- جدول ۱۱: روند مرجعیت خبری و منابع کسب خبر ۳۴

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: توزیع میانگین درصد فراوانی اعتماد به گروه‌های شغلی در تراز ۱۰۰ (سال‌های ۹۳ و ۹۷) ۷۱
- نمودار ۲: روند تغییرات میانگین اعتماد به گروه‌های شغلی در تراز ۱۰۰ (۱۳۸۴، ۱۳۹۳، و ۱۳۹۷) ۹۱
- نمودار ۳: روند تغییرات میانگین اعتماد به گروه‌های شغلی در تراز ۱۰۰ (۱۳۸۴، ۱۳۹۳، و ۱۳۹۷) ۰۲
- نمودار ۴: روند تغییرات میانگین اعتماد به سازمان‌ها در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۳، و ۱۳۹۷ در تراز ۱۰۰ ۲۳
- نمودار ۵: روند تغییرات اعتماد به سازمان‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ در تراز ۱۰۰ ۲۳
- نمودار ۶: روند تغییرات میانگین اعتماد به سازمان‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ در تراز ۱۰۰ ۲۴
- نمودار ۷: روند تغییرات میانگین اعتماد سازمانی در تراز ۱۰۰ (۱۳۹۳ و ۱۳۹۷) ۵۲
- نمودار ۸: میانگین پنداشت مردم از موفقیت نظام در حل مشکلات در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۳، و ۱۳۹۷ ۲۸
- نمودار ۹: ارزیابی از موفقیت نظام اداره کشور در حل مشکلات مختلف (سال ۱۳۸۴، ۱۳۹۳، و ۱۳۹۷) ۸۲
- نمودار ۱۰: روند اعتماد به چهار نهاد اجتماعی ۲۹
- نمودار ۱۱: روند میزان محبوبیت رئیس جمهور ۲۹
- نمودار ۱۲: نمره به عملکرد دولت آقای رئیسی (آبان ۱۴۰۱) ۰۳
- نمودار ۱۳: تغییرات شاخص سرمایه اجتماعی در بُعد حاکمیت در دو دهه اخیر ۱۳
- نمودار ۱۴: روند مرجع خبری افراد ۳۵
- نمودار ۱۵: محبوبیت رسانه‌های اجتماعی در تیرماه ۱۴۰۰ ۳۶
- نمودار ۱۶: مقایسه مصرف رسانه‌های اجتماعی محبوب حد فاصل فروردین ۱۳۹۷ تا تیر ۱۴۰۰ ۳۶
- نمودار ۱۷: میزان استفاده از منابع خبری مختلف ۳۷

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای

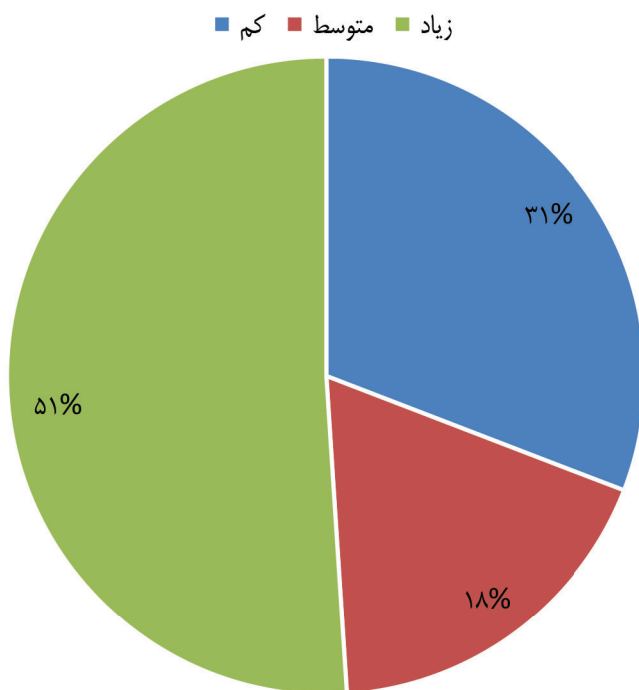
«من می‌خواهم یک اشاره‌ای هم بکنم به مسئله رایج این روزها که گفته می‌شود مسئله مسمومیت دانش‌آموزان. در این زمینه، اطلاع دارم که مسئولین نشست‌اند بحث کرده‌اند و تلاش میکنند، وظایف را مشخص کرده‌اند. من می‌خواهم تأکید کنم که این مسئله را بجد باید تعقیب کنند. مسئله، مسئله مهمی است. اگر واقعاً دست‌هایی در کار باشد و افرادی، گروه‌هایی، در این زمینه دخالت داشته باشند، این جنایت بزرگ و غیر قابل اغماضی است. اگر کسانی در این



کار دست دارند - که بلاشک لابد کسانی دست دارند؛ به یک نحوی حتماً کسانی دست دارند - بایستی دستگاه‌های مسئول، دستگاه‌های اطلاعاتی، دستگاه‌های انتظامی دنبال کنند و سررشته این جنایت را پیدا کنند - هم عاملین را، هم مسببین را - و اینها بایستی به اشد مجازات محکوم بشوند و درباره اینها اشد مجازات بایستی اجرا بشود. چون این یک جنایت کوچکی نیست؛ این جنایتی است هم در حق معصوم‌ترین عناصر یک جامعه - یعنی کودکان - و هم موجب رعب و موجب ناامنی روانی جامعه و نگرانی خانواده‌ها است؛ این‌ها چیزهای کوچکی نیست. این‌ها را بایستی با جدیت دنبال بکنند و این را همه بدانند که اگر چنانچه کسانی محکوم شدند، عفوی هم در مورد اینها وجود نخواهد داشت و حتماً بایستی مجازات بشوند و مجازات اینها موجب عبرت بشود.»

بر اساس یک نظرسنجی در هفته سوم اسفند در شهر تهران، ۸۶/۵ درصد از پرسش‌شوندگان از اخبار مسمومیت‌ها در مدارس دخترانه مطلع بودند و ۵۱ درصد از آن‌ها به میزان زیادی از این بحران احساس ناامنی کرده‌اند.

چقدر از اخبار مربوط به مسمومیت‌ها و حواشی آن احساس ناامنی می‌کنید؟





گزارش در یک نگاه

● در شهر تهران بر اساس نظرسنجی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۸۶/۵ درصد پاسخ‌دهندگان از اخبار مسمومیت دانش‌آموزان دختر مطلع بودند و ۵۱ درصد از آن‌ها به میزان زیادی احساس ناامنی کرده‌اند، همچنین ۱۸/۱ درصد تا حدودی احساس ناامنی کرده‌اند و تنها ۳۰/۸ درصد به میزان کمی حس ناامنی را تجربه نموده‌اند. به بیانی دیگر بحران مسمومیت دختران به میزان قابل‌اعتنایی احساس ناامنی را در جامعه افزایش داده است.

● احساس ناامنی در نگاهی فرهنگی اجتماعی، ریشه در بی‌اعتمادی نهادی به دولت و کمبود سرمایه اجتماعی حاکمیت دارد. به‌گواه پیمایش‌های مختلف، سرمایه اجتماعی حاکمیت در طول سال‌های اخیر روند کاهشی داشته و امسال بر اساس داده‌های موجود، با عدد ۳۶/۳ درصد، کمترین میزان خود در دو دهه گذشته را تجربه می‌کند. شاخص اعتبار نهادی یا همان اعتماد به حکمرانی نیز با امتیاز ۳۰/۳۴ درصد، وضعیت مطلوبی به شمار نمی‌رود.

● اعتماد به رسانه‌های داخلی و رسمی نیز در سال‌های اخیر روند کاهشی جدی را تجربه کرده است. بر اساس داده‌های موجود، حدود ۸۰ درصد از افراد حتی با وجود فیلترینگ پیام‌رسان‌های خارجی، مایل به استفاده از پلتفرم‌های داخلی نیستند. از سویی دیگر میزان استفاده از پیام‌رسان‌های خارجی علیرغم مسدود شدن، رقم بالایی است. نتایج پیمایشی در این زمینه می‌گوید ۳۶ درصد از افراد تقریباً همیشه از پیام‌رسان‌های خارجی به عنوان منبع خبری خود استفاده می‌کنند؛ این درحالی‌ست که صداوسیما بیشترین کاهش اعتماد مخاطبین را در سال‌های اخیر تجربه کرده است.

● بحران مسمومیت دانش‌آموزان دختر، تاثیر مخرب فقدان اعتماد به حاکمیت را بار دیگر عیان ساخت. از دست رفتن سرمایه اجتماعی ضربه خود را میانه بحران‌ها نشان می‌دهد. در این ماجرا نیز ضعف قابل اعتنایی از این ناحیه قابل شناسایی است.

● همه‌گیر شدن احساس ناامنی در این بحران و بازنمایی گسیخته از مواجهه امنیتی دولت با آن، انگاره غیاب دولت و بی‌دولتی را تقویت کرد و انگیزاننده تقلای جمعی و انفرادی والدین برای تامین امنیت دختران خود شد. احساس ناامنی زمانی که تبدیل به انگیزه‌ای برای برقراری خودبنیاد امنیت توسط اجزای جامعه شود، جز آن‌که شکاف حاکمیت و مردم را تعمیق می‌کند، احساس گذار از دولت را نیز تقویت می‌کند و از این رهگذر، پایه‌های امنیت کلان را فرو می‌ریزد و نظم اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

● در برخورد با افکار عمومی، تعلیق مساله و ابهام‌سازی در خاتمه‌بخشی به بحران و فیصله دادن به موضوع، بی‌اعتمادی به حاکمیت را تقویت می‌کند. انتظار مردم ارائه یک بیان واحد، محکم و صریح از سوی تریبون‌های رسمی است.

● خلاء برخورد همدلانه و پاسخ‌گویی مشفقانه به دغدغه‌های

درست و حتی نادرست افراد متاثر از بحران، در مسأله اخیر احساس شد. انکار نگرانی جامعه چاره‌ساز نیست. بازنمایی انکاری از سوی رسانه‌ها و مسئولین، نه تنها به کاهش التهاب نمی‌انجامد، بلکه آن را تشدید می‌کند. تعمیق فاصله ادراکی میان مردم و حاکمیت، نتیجه رویکرد انکاری است. باید این احساس را به والدین نگران داد که ابعاد و حجم نگرانی ایشان از سوی حاکمیت درک شده است. جای ریشه‌یابی روان‌شناختی علل این نگرانی نیز در بیان‌های رسانه‌ای مسئولین نیست. ● دستگاه‌های امنیتی از ابتدای بحران بنا بر وظیفه ذاتی خود، فعال

بودند. اما فعال‌بودگی امنیتی نظام در مواجهه با این بحران، در ۱۰۰ روز اول نمود رسانه‌ای نداشت و غیاب سخنگویان امنیتی، انگاره انفعال امنیتی را تقویت کرد. در تهدیدهای آشکار امنیتی نیازمند بازنمایی تصویری فعال از وجه امنیتی نظام و برساختن طرحواره مدیریت حرفه‌ای نیروهای امنیتی و ارائه نمودی از حضور اطمینان‌بخش ماموران و متخصصان در صحنه، برای آرامش روانی و ادراکی جامعه هستیم. ● هر نقطه بحرانی در یک بافتار فرهنگی اجتماعی نمود می‌یابد.

حضور نیروهای امنیتی در نقطه بحران ضروری است اما نیازمند بازطراحی نحوه رویت‌پذیری نیروهای امنیتی در محیط مدارس و پیرامون، با توجه به بافتار فرهنگی اجتماعی آن نقطه هستیم؛ در بحران اخیر تصویر حضور برخی نیروهای امنیتی با محیط یک مدرسه دخترانه ناهمساز بود.

● اعلام موضع حکیمانه، صریح، قاطع و روشن رهبر معظم انقلاب، توانست التهاب افکار عمومی را کاهش دهد، اتفاقی که باید در طلوع بحران از سوی دیگر مسئولین امر صورت می‌پذیرفت. صراحت در تقبیح رویدادهای بحران‌زا می‌تواند جلوی کژنمایی‌ها را بگیرد، در حالی که تعلل در اعلام مرزبندی قاطع با عامل بحران، بن‌مایه سناریوپردازی‌های رسانه‌های معاند است.

● بازترمیم وجهه حاکمیت نزد افکار عمومی، تجدید و روزآمد نمودن سیاست‌های امنیتی ناظر به تغییرات فرهنگی-اجتماعی نسلی، بازیابی صراحت، قاطعیت و شجاعت اعلام مواضع رسمی، توجه به بازنمایی موقعیت دولت در مواجهه با بحران‌ها و تغییر انگاره بی‌دولتی، ارتقاء نکویی رابطه دولت و ملت، اتخاذ رویکرد همدلانه با جامعه و جبران احساس فاصله اداری میان حاکمیت و مردم، بازآرایی ترکیب ستادهای مدیریت بحران و امنیت و بهره‌گیری از متخصصین فرهنگ و ارتباطات و در نهایت تلاش برای ارتقاء اعتماد نهادی و سرمایه اجتماعی حاکمیت، ضرورت‌های آموخته از دل این بحران است.

مقدمه

بحران مسمومیت دختران در مدارس ایران در اسفندماه ۱۴۰۱ به اوج خود رسید؛ از ۳ ماه پیش که مساله مسمومیت دختران در مدارس قم به رسانه‌ها راه یافت، ماجرا علیرغم سکوت اولیه مراجع رسمی، در میان مردم به موضوع بحث‌های روزمره تبدیل شد. افزایش تصاعدی گزارش‌ها از مسمومیت‌هایی که حالا دیگر در فضای مجازی با عنوان "مسمومیت سریالی دختران" طرح می‌شد، مساله را تبدیل به دغدغه‌ای فراگیر برای والدین و دانش‌آموزان کرد و در نهایت با بیان رسمی حاکمیتی، مساله رسماً به عنوان مشکلی امنیتی تلقی و اعلام شد. هرچند ورود حکیمانه‌ی مقام معظم رهبری به مساله و اعلام موضع صریح نظام درباره این بحران و تعبیر از آن به عنوان جنایت، خاصیت تسکینی برای افکار عمومی ملتهب داشت، اما در این میان نیازی جدی برای توجه به ابعاد فرهنگی و ارتباطاتی مساله احساس می‌شد. شاید اصلی‌ترین اتفاقی که در بُعد ادراکی و شناختی رخ نموده، مساله‌ی هراس جمعی و احساس عمومی شده‌ی ناامنی و تسری اجتماعی آن است. بر

اساس داده‌های موجود، بخش قابل اعتنایی از جامعه در پی این حوادث احساس ناامنی کرده‌اند. گزارش حاضر در تلاش است تا ضمن تکیه بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی امنیت، ضمن مطالعه مردم‌شناختی ابعادی از بحران مسمومیت دختران، با تکیه بر مرور آماری، مساله ناامنی و امنیت را از دریچه فرهنگی مورد مذاقه قرار دهد و به سرفصل‌های سیاستی در این راستا برسد. رویکرد اصلی این گزارش، احساس ناامنی در نتیجه بی‌اعتمادی نهادی است که به گواه آمار طی چند سال گذشته رشد یافته است. ابتدا چارچوب تحلیلی ارائه می‌شود که در آن، امنیت و احساس امنیت از مقوله‌ای صرفاً فیزیکی به مقوله‌ای فرهنگی و اجتماعی گسترش می‌یابد. دو متغیر اصلی چارچوب تحلیلی گزارش حاضر، اعتماد نهادی و احساس امنیت است. سپس روند اعتماد نهادی در ایران طی سال‌های گذشته ارائه می‌شود که نشان از کاهش است و در سایه همین روند کاهش اعتماد نهادی است که می‌توان نحوه مواجهه مردم با بحران مسموم سازی دختران را درک کرد. بنابراین بخش بعدی گزارش، نحوه مواجهه مردم با بحران در یک مطالعه موردی بررسی می‌شود. در نهایت نکات سیاستی مساله از منظر فرهنگ و ارتباطات بیان می‌شود.

ادبیات مفهومی و نظری امنیت

امنیت^۱، از ضروری‌ترین نیازهای فرد و جامعه است و نظام‌های سیاسی بیش و پیش از هر چیزی، به تأمین امنیت توجه ویژه دارند؛ به همین دلیل از زمان شکل‌گیری دولت‌های مدرن، دیدگاه‌های مختلفی در مورد امنیت و چگونگی ثبات و یا از دست رفتن آن به وجود آمده است. در نظریه‌های کلاسیک، بیشتر بر ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه امنیت توجه شده است اما روندهای جهانی شدن و تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جهان مدرن نشان داده است که وضعیت امنیت، رابطه زیادی با وضعیت، جهت و شدت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در درون جوامع نیز دارد (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۵۸). طی دو دهه گذشته، وضعیت فرهنگی و اجتماعی یک جامعه و رابطه آن با ثبات سیاسی-اجتماعی و امنیت، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و می‌توانیم بگوییم که ما در مباحث امنیت نوعی «چرخش فرهنگی و اجتماعی» داشته‌ایم. به نظر رابرت ماندل^۲، این وضعیت در حوزه «امنیت داخلی» نمود بیشتری دارد که می‌توان از آن با عنوان «فرهنگی شدن امنیت داخلی» تعبیر نمود (پیشین). به زبان دیگر، امنیت علاوه بر ساحت بین‌المللی و مالکیت سرزمینی، ساحت داخلی و درونی دارد و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی، در حفظ و ثبات امنیت یک کشور اهمیت اساسی دارند؛ برخی از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در امنیت عبارت‌اند از: هویت فرهنگی و اجتماعی، میزان همبستگی و اعتماد اجتماعی و وضعیت شکاف‌های اجتماعی، وضعیت هویت ملی و قومی، تنوع مذهبی و قومی، رابطه دولت با گروه‌ها و اقشار اجتماعی، ساختار جمعیتی کشور، وضعیت ارزش‌های فرهنگی و تضادهای حاصل از آن، سیاست فرهنگی دولت‌ها و وضعیت فرهنگی جامعه، کنترل

1. Security

2. Robert Mandel

بر رسانه‌ها، ساختار طبقاتی جامعه، وضعیت توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور به‌ویژه در مناطق قومی و مذهبی و ... از منظر سنتی، امنیت بیشتر متأثر از دیدگاه رئالیست‌ها بود و به تبع آن، تعریف امنیت بر اساس توان نظامی کشورها بود و مهم‌ترین منابع تهدید نیز در خارج از مرزهای ملی تصور می‌شد اما این نگرش نسبت به امنیت به تدریج متحول شد، چنانکه حتی در قالب نظریه واقع‌گرایی، در کنار تهدیدهای خارجی امنیت، منابع داخلی امنیت در ابعاد مختلف آن نیز اهمیت ویژه‌ای یافت. به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران مسائل امنیتی، تهدیدهایی نظیر بحران هویت، بحران مشروعیت، نابرابری و شکاف‌های اجتماعی، ضعف اعتماد نهادی و ... نیز در کنار تهدیدهای نظامی و حتی مهم‌تر از آن مورد توجه است. بر اساس چنین نگرش‌هایی است که اکثر محققین، امنیت را در دو بعد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌دهند. در همین راستا، بری بوزان^۱ امنیت را «قابلیت یک جامعه برای ادامه کارکرد در اندازه مطلوبش» دانسته است (بوزان، ۱۹۹۸: ۱۲۰).

در راستای این تغییرات نظری در باب امنیت، بهتر است تغییرات مفهوم امنیت نیز رصد شود. با وجود آنکه امنیت، که از ضروری‌ترین نیازهای فرد و جامعه است و اساساً یکی از عوامل ایجاد دولت‌ها، ضرورت تأمین امنیت بوده است، اما مفهومی پیچیده و متکی بر رهیافت‌ها و نظریه‌هایی است که پژوهشگران از آن‌ها استفاده می‌کنند. آن‌چنان‌که مک سوینی^۲ می‌گوید: «امنیت مفهومی بسیار لغزنده است... به گونه‌ای که محمول‌های متعددی را اعم از افراد، دولت‌ها و امثال آن را شامل می‌شود» (سوینی، ۱۹۹۹؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۵: ۹). این مشکل زمانی بیشتر می‌شود که به ترکیب مفهوم امنیت با مفاهیم دیگر و تولید مفاهیم جدید اقدام شود مانند امنیت ملی، امنیت

1. Barry Buzan

2. Mc Sweeney

سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی و ...؛ تاکنون برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی موضوعات امنیتی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است (رتالیسم، لیبرالیسم، مکتب کپنهاک، برساخت‌گرایی و نظریه انتقادی) که با ارائه پیش‌فرض‌ها و چارچوب مطالعاتی متفاوت در مورد امنیت، افق‌های تازه‌ای را در حوزه مطالعات امنیتی به وجود آورده‌اند و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد پرسش‌های اساسی امنیت از جمله مرجع، کارگزار، ابعاد و شیوه تأمین امنیت، مطرح ساخته‌اند. اما یکی از چرخش‌های مهم در مفهوم امنیت، اهمیت فرهنگ و تغییرات اجتماعی - فرهنگی در مطالعات امنیت است. تعبیر استعاری رابرت ماندل^۱ در مورد «تغییر ماهیت سیاسی جوامع و فرهنگی شدن آن‌ها» پس از جنگ سرد، پیامدهای بسیاری در مطالعات امنیت داشته است. او در کتاب «چهره متغیر امنیت ملی»^۲ (۱۹۹۴)، مؤلفه «سیاسی - فرهنگی» را به تعریف امنیت می‌افزاید که از نظر او، مؤلفه‌ای مهم، حساس و پیچیده است و آینده معادلات و مطالعات امنیتی را رقم می‌زند (ماندل، ۱۳۷۷). البته ماندل، بُعد سیاسی - فرهنگی را در کنار ابعاد کلاسیک نظامی، اقتصادی و شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی مطرح می‌کند، اما تحولات دهه ۹۰ میلادی و سپس آغاز سده جدید میلادی، نشان داد که گمان او صحیح بوده است و فرهنگ به عرصه اصلی معادلات امنیت پا گذاشته است تا جایی که راهبردی‌های امنیت‌سازی، صبغه‌ای فرهنگی و اجتماعی یافته‌اند.

علاوه بر ماندل، بری بوزان نیز مفهوم «امنیت اجتماعی یا جامعه‌ای»^۳ را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» (۱۹۸۳) به کار می‌برد به این معنی است که امنیت در جامعه شکل می‌گیرد و از جامعه متأثر می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸). امنیت اجتماعی، کلیت جامعه و گروه‌های

1. Robert Mandel

2. The changing face of national security

3. Societal Security

مختلف اجتماعی را در مقوله امنیت مدنظر دارد؛ البته بوزان نیز، امنیت جامعه‌ای (با محوریت هویت) را یکی از ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی (در کنار ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی) تلقی کرده است. برای تفکیک امنیت اجتماعی در برداشتی اقتصادی با مفهوم آن در برداشتی اجتماعی، برخی اندیشمندان به‌جای استفاده از واژه Social از Societal استفاده کرده‌اند. در این زمینه بوزان معتقد است که: «امنیت اجتماعی نباید با تأمین اجتماعی یکسان در نظر گرفته شود چراکه واژه اخیر درباره افراد به‌طور گسترده‌تر در اقتصاد مطرح است ولی امنیت اجتماعی درباره جمع‌های بشری و هویتشان بوده و به سطح افراد و به‌طور اخص به پدیده‌های اقتصادی قابل‌تقلیل نیست، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و کش‌هایی که به‌منظور دفاع از هویت‌ها، تحت عنوان «ما» صورت می‌گیرد» (بوزان، ۱۳۷۸).

با توجه به در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت و همچنین عاملیت داخلی آن، امنیت جنبه‌ها و ساحت‌های مختلفی پیدا کرده است و برای درک بهتر آن باید به ساحت‌های آن توجه کرد. صاحب‌نظران بر اساس این ساحت‌های مختلف، امنیت را با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه جوامع، به ابعاد مختلفی تقسیم می‌کنند که عبارت است از امنیت جهانی، امنیت بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای، امنیت ملی^۱، امنیت داخلی^۲ و خارجی، امنیت عمومی^۳، امنیت اجتماعی^۴، امنیت فردی و امنیت انسانی^۵؛ مقوله‌بندی به‌گونه‌ای دیگر هم وجود دارد: نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، زیست‌محیطی.

دسته‌بندی امنیت به خارجی و داخلی اهمیت اساسی دارد و

1. National Security
2. Internal security
3. Public Security
4. Social Security
5. Human Security

تأکید گزارش حاضر بر «امنیت داخلی» و «امنیت عمومی» است. گرچه امنیت ملی و خارجی نیز ارتباط وثیقی با امنیت داخلی دارد. امنیت عمومی از حیث موضوعی در حوزه امنیت داخلی است چراکه بخشی از مسائل امنیت داخلی که ناظر بر مناسبات «دولت و مردم» و «مردم با مردم» است، در حوزه امنیت عمومی قرار می‌گیرد. به گفته «بری بوزان»، امنیت داخلی بر اساس معیار جغرافیایی، در نقطه مقابل امنیت خارجی تعریف شده و بر این مبنا همه موضوعاتی که در قلمرو ملی قرار دارند را شامل می‌شود. در حالی که امنیت خارجی معطوف به تهدیدهای کشورهای رقیب یا دشمن است، امنیت داخلی مربوط به براندازی و چالش از جانب گروه‌هایی است که اقتدار دولت را نپذیرفته‌اند. در امنیت داخلی، آسیب‌پذیری‌ها ناشی از نقاط ضعف مزمنی است که ساختار، امکانات و توانایی‌های موجود، قادر به پاسخ‌گویی به آن‌ها نباشد. بوزان بر اساس شاخص «هویت» و تأثیر آن بر امنیت ملی، بر مؤلفه انطباق مرزهای جغرافیایی و مرزهای هویتی پرداخته است (بوزان، ۱۹۹۸، بوزان، ۱۳۷۸: ۷۴-۵۱) و در مطالعات امنیت بر اساس نظریه‌های بوزان در مورد «تنوع قومی و امنیت ملی» تحقیقات زیادی صورت گرفته است (تقی لو، ۱۳۸۶).

با توجه به رهیافت اجتماعی و فرهنگی به امنیت در این گزارش (و با توجه به بُعد ذهنی امنیت در کنار بُعد عینی آن)، امنیت، وضعیتی است که در آن بین خواسته‌های شهروندان با کارکردها نظام سیاسی و دولت، نسبتی متعادل وجود دارد به گونه‌ای که شهروندان احساس رضایت و امنیت می‌کنند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۱-۱۴). این تعریف بر اساس نظریه «برساخت اجتماعی امنیت» مطرح می‌شود. همان‌طور که «پیتز برگر» و «توماس لوکمان» در کتاب «برساخت اجتماعی واقعیت» می‌گویند، «واقعیت» (در اینجا امنیت)، آن چیزهایی است که مردم در زندگی روزمره، آن‌ها را واقعی می‌دانند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۸)؛ بر اساس این

تعبیر از واقعیت (امنیت)، دیدگاه دولت از امنیت، باید منطبق بر تلقی عمومی از امنیت در زندگی باشد. به زبان ساده‌تر، دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و افکار عمومی، برای دولت نیز دغدغه و نگرانی باشد و بر اساس آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند. یعنی «گفتمان دولت» به «گفتمان مردم در زندگی روزمره» نزدیک باشد و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. به همین دلیل طی سال‌های گذشته، مقوله «احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان» در پیمایش‌ها و نظرسنجی‌ها بسیار اهمیت پیدا کرده است. اینکه افکار عمومی در مورد امنیت چگونه می‌اندیشد، برای امنیت در یک جامعه حیاتی است؛ بر اساس رهیافت برساخت‌گرایی، هرچقدر معانی بین ذهنی مشترکی بین دولت و مردم و اقشار و گروه‌های اجتماعی بر سر موضوعات و مسائل به وجود بیاید، شکل‌بندی گفتمانی و همبستگی ملی صورت می‌گیرد؛ اما هرچقدر فاصله ذهنی دولت با مردم در امور مختلف بیشتر شود، اعتماد نهادی، همبستگی اجتماعی و رابطه دولت-ملت تضعیف شده و گفتار مشترک امنیت شکل نمی‌گیرد.

بنابراین رهیافت گزارش حاضر به مفهوم امنیت و ابعاد آن، نزدیک به رهیافت «برساخت‌گرایی»^۱ از منظر «امنیت داخلی و عمومی» است که امنیت را دارای ابعاد «عینی» و «ذهنی» می‌داند و بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن به ویژه اعتماد نهادی تأکید دارد. بر اساس نظریات کسانی مانند ایمانوئل آدلر^۲، میخائیل بارنت^۳، پیتر کاتزنشتاین^۴ و الکساندر ونت^۵، بین نظام‌های داخلی و بین‌المللی ارتباط وجود دارد و بازیگران و متغیرهای امنیت داخلی و خارجی با هم مرتبط‌اند. بر اساس رهیافت برساخت‌گرایی، امنیت در بُعد عینی بیشتر معطوف به تهدیدهای خارجی است و به حفظ مالکیت سرزمینی و قلمرو نظر

1. Constructivism

2. Emanuel Adler

3. Michael Barentt

4. Peter Katzenstein

5. Alexander Wendt

دارد، اما امنیت در بُعد ذهنی، صرف نظر از حفظ سرزمین و حاکمیت، به چگونگی زندگی و شیوه‌های زندگی و شرایط اجتماعی و فرهنگی نظر دارد (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۵). بر اساس این رهیافت، «اعتماد متقابل و هویت جمعی»، جزئی از شرایط ضروری در تغییرات صلح‌آمیز و شکل‌گیری امنیت است. از سوی دیگر، قدرت، دانش، سازمان‌ها، رسانه‌ها و یادگیری اجتماعی نیز در ایجاد اعتماد متقابل، مفید و ضروری هستند. از نظر برساخت‌گرایان، سرچشمه امنیت و ناامنی، در چگونگی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و مسائل به‌ویژه منافع و تهدیدها است و هراندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد، میزان بی‌اعتمادی میان آن‌ها افزایش می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به‌سوی خودمحموری حرکت می‌کنند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

این نکته برساخت‌گرایی در مورد روابط میان دولت‌ها، در مورد رابطه دولت با اقشار و گروه‌های اجتماعی داخلی نیز صدق می‌کند و هرچقدر رابطه بین ذهنی مشترکی بین دولت و اقشار و گروه‌های اجتماعی و دولت بر سر موضوعات و مسائل به وجود بیاید، شرایط صلح‌آمیزتر و منسجم‌تری به وجود می‌آید و هرچقدر فاصله ذهنی دولت‌ها با مردم در امور مختلف بیشتر شود، اعتماد نهادی و رابطه دولت - ملت تضعیف شده و تهدیدی برای امنیت داخلی و عمومی و امنیت ملی خواهد بود. در رهیافت برساخت‌گرایی، «امنیت دولت» و «امنیت ملت» باهم همبسته‌اند و این ارتباط متقابل در «امنیت عمومی» متبلور می‌شود. امنیت عمومی، وضعیتی است که در آن نیازهای مادی و معنوی افراد، حقوق شهروندی و نظام سیاسی رعایت می‌شود و «امنیت دولت - ملت» از هم تفکیک‌ناپذیر می‌شود؛ هم دولت اقتدار دارد و هم حقوق اجتماعی و فردی ملت در چارچوب قوانین و نهادهای مناسب تضمین شده است و قانون، میثاق همبستگی اجتماعی میان دولت و ملت است.

چارچوب نظری و تحلیلی

دو متغیر اصلی چارچوب تحلیلی گزارش حاضر، «اعتماد نهادی» و «احساس امنیت» است. از نظر این گزارش، هرچه قدر اعتماد به نهادهای سیاسی و اداری بالاتر باشد، احساس امنیت بالاتر است و در زمان بحران، مردم آرامش بیشتری داشته و با دولت و نهادهای مربوطه همکاری می‌کنند و برعکس، هرچقدر اعتماد نهادی و سیاسی پایین باشد، احساس ناامنی رشد می‌کند و مشارکت اجتماعی برای یاری به دولت پایین می‌آید و مردم سعی می‌کنند خودشان گلیم خود را از آب بیرون بکشند.

در طول تاریخ، جایگاه ژئوپلیتیک ایران و رقابت دولت‌های قدرتمند در این نقطه از جهان، به‌گونه‌ای بوده است که دولت‌های ایرانی در طول تاریخ، مسئله امنیت را در اولویت سیاست‌های خود قرار داده‌اند. در ابتدای قرن چهاردهم با شکل‌گیری دولت مدرن، امنیت داخلی و خارجی، از ضرورت‌های توسعه تلقی شد و بدین‌سان، امنیت عموماً با استفاده از نیروی نظامی و انتظامی محقق شد. از آن زمان تاکنون، در سطح جهانی، شاهد تغییرات فرهنگی و اجتماعی بنیانی بوده‌ایم و جامعه ایران نیز تغییرات فرهنگی و اجتماعی شگرفی به خود دیده است. در پی این تغییرات گسترده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، چهره امنیت در ایران نیز تغییر کرده و ضروری است که در سیاست‌گذاری امنیتی در ساحت‌های اجتماعی و فرهنگی، تغییرات اساسی صورت گیرد. به‌عبارت‌دیگر، اگرچه در ایران در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، نگاه امنیتی وجود دارد، اما این نگاه امنیتی به مسائل اجتماعی و فرهنگی، رهیافتی سلبی است و پیامدهای منفی بسیاری برای امنیت عمومی دارد. بنابراین به‌جای «رهیافت امنیتی سلبی» به ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی و فرهنگی، «رهیافت امنیتی مثبت و ایجابی» به این ساحت‌ها پیشنهاد می‌شود.

رهیافت امنیتی مثبت، بر رهیافت برساخت‌گرایی منطبق است که بر اساس آن، امنیت در بُعد عینی معطوف به تهدیدهای خارجی است اما در بُعد ذهنی، صرف نظر از حفظ سرزمین و حاکمیت، به چگونگی شیوه‌های زندگی و شرایط اجتماعی و فرهنگی نظر دارد. در رهیافت برساخت‌گرایی امنیت عمومی و داخلی، باید سیاست‌ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای عمل کنند که رابطه دولت و شهروندان، مبتنی بر اعتماد و تفاهم بر سر موضوعات و مسائل مختلف باشد. هرچقدر رابطه بین ذهنی مشترکی بین دولت و مردم و اقشار و گروه‌های اجتماعی بر سر موضوعات و مسائل به وجود بیاید (اعتماد نهادی)، شرایط منسجم‌تری به وجود می‌آید و هرچقدر فاصله ذهنی دولت‌ها با مردم خود در امور مختلف بیشتر شود، شرایط انسجام اجتماعی و رابطه دولت-ملت تضعیف شده و تهدیدی برای امنیت داخلی و عمومی و امنیت ملی خواهد بود.

ضعف در همبستگی اجتماعی و اعتماد نهادی در زمان بحران، باعث می‌شود که دولت نتواند از همراهی اعتماد‌آمیز مردم بهره‌بردارد؛ اعتماد نهادی، امری ضروری برای حفظ ثبات و امنیت عمومی و ملی است. اعتماد نهادی از عوامل تولیدکننده قدرت و ارتقاء دهنده ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی برای مقابله با تهدیدهای نرم و سخت است. یکی از موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در ابتدای امر، ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی و نهادی بود اما این همبستگی و اعتماد با توجه به شواهد و مطالعات کنونی، کاهش یافته است.

بنابراین، امنیت، ابعاد اجتماعی و فرهنگی وسیعی دارد و باید بر اساس دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی بازتعریف شود. به زبان دیگر، مفاهیم امنیت (ملی، عمومی، اجتماعی و ...) باید با مفاهیمی چون هویت جمعی، امنیت فرهنگی، همبستگی اجتماعی، اعتماد نهادی، تنوع فرهنگی و همبستگی فرهنگی و امثال آن در ارتباط قرار گیرد.

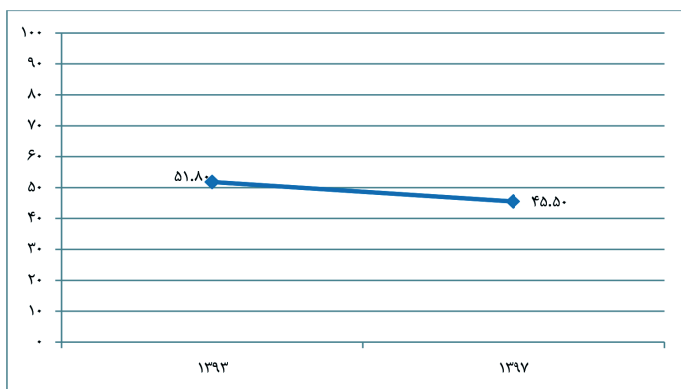
امنیت ملی، فقط از سوی دشمن خارجی مورد خطر نیست بلکه ممکن است به دلیل شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی، از درون کشور مورد خطر باشد. امنیت ملی، علاوه بر ارتش و نیروی نظامی و توسعه اقتصادی، نیازمند همبستگی اجتماعی و اعتماد نهادی است.

وضعیت اعتماد نهادی در ایران

اعتماد نهادی، ارتباط متقابل بین نهادها و شهروندان را تسهیل می‌کند، امکان ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی را فراهم می‌کند که شهروندان به واسطه آنها به اهداف خود دست می‌یابند و با به حداقل رساندن نزاع‌ها، وضعیت تهدیدآمیز برای دولت به حداقل می‌رسد و موجب اجرای بهتر و آسان‌تر قوانین و مقررات مصوب دولتی می‌شود. وجود اعتماد نهادی موجب رضایت سیاسی و اجتماعی شهروندان، حمایت سیاسی از دولت، ثبات نظام سیاسی و در نتیجه کارآمدی نظام سیاسی و دولت می‌شود. اعتماد نهادی در زمان بحران، موجب همدلی و مشارکت مردم با نهادهای مربوطه می‌شود و گذر از بحران را تسهیل می‌کند. در ادامه، روند وضعیت اعتماد نهادی در ایران ارائه می‌شود. بر اساس نتایج جدول ۹، میزان اعتماد به گروه‌های حرفه‌ای حد فاصل سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ کاهش یافته است.

جدول ۱: توزیع درصد فراوانی اعتماد به حرفه‌ها (سال ۹۳ و ۹۷)

میانگین در تراز ۱۰۰	میزان اعتماد			سال
	زیاد	تاحدی	کم	
۵۱/۸	۲۶/۹	۴۹/۸	۲۳/۳	۱۳۹۳
۴۵/۵	۲۵/۵	۴۰	۳۴/۵	۱۳۹۷



نمودار ۱: توزیع میانگین درصد فراوانی اعتماد به گروه‌های شغلی در تراز ۱۰۰ (سال‌های ۹۳ و ۹۷)

مأخذ: پیمایش‌های سنجش سرمایه اجتماعی کشور، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷
 جدول ۲ نشان می‌دهد که اعتماد به نیروهای امنیتی و انتظامی نسبت به دیگر نهادها وضعیتی بهتر و بالاتر داشته است اما باز هم اعتماد به این نیروها در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است. البته می‌دانیم که دولت و حکومت به طور کلی، فقط نهادهای امنیتی و انتظامی نیستند و باید کلیت آن را در نظر گرفت و میزان اعتماد به کلیت آن است که نگرش مردم به عملکرد دولت را می‌سازد.

جدول ۲: روند میزان اعتماد به گروه‌های شغلی (۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)

میانگین در تراز ۱۰۰	زیاد	تاحدی	کم	سال	مشاغل و حرفه‌ها
۷۳/۸	۵۷/۳	۳۳	۹/۷	۱۳۸۴	معلمان
۶۸/۷	۵۰	۳۷/۳	۱۲/۸	۱۳۹۳	
۶۴/۴	۴۴/۹	۳۹	۱۶/۱	۱۳۹۷	
۷۳/۱	۵۷	۳۲/۲	۱۰/۸	۱۳۸۴	اساتید دانشگاه
۶۴/۷	۴۴/۴	۴۰/۵	۱۵/۱	۱۳۹۳	
۵۷/۴	۳۵/۸	۴۳/۲	۲۰/۹	۱۳۹۷	

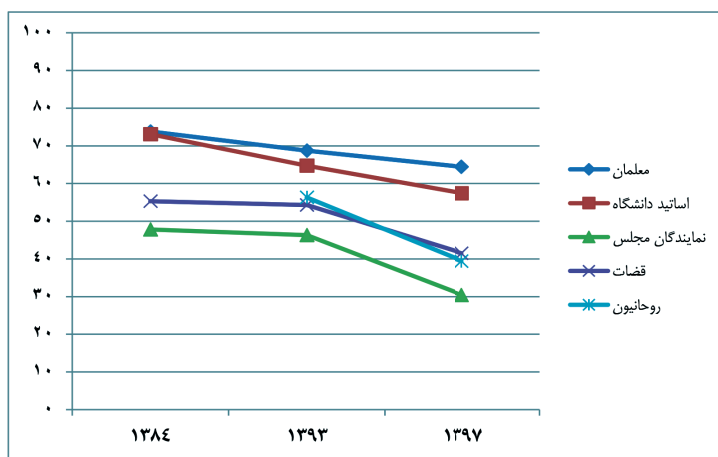
گزارش رصد فرهنگی

میانگین در تراز ۱۰۰	زیاد	تاحدی	کم	سال	مشاغل و حرفه ها
۴۷/۸	۲۷/۱	۴۱/۴	۳۱/۵	۱۳۸۴	نمایندگان مجلس
۴۶/۳	۲۶/۴	۳۹/۷	۳۳/۹	۱۳۹۳	
۳۰/۴	۱۴/۷	۳۱/۳	۵۴/۱	۱۳۹۷	
۵۵/۳	۳۳/۹	۴۲/۷	۲۳/۴	۱۳۸۴	قضات
۵۴/۳	۳۳/۶	۴۱/۱	۲۵/۵	۱۳۹۳	
۴۱/۵	۲۱/۸	۳۹/۳	۳۸/۹	۱۳۹۷	
۵۶/۳	۳۷/۸	۳۷	۲۵/۲	۱۳۹۳	روحانیون
۳۹/۴	۲۲/۵	۳۳/۶	۴۴	۱۳۹۷	
۷۰/۱	۵۲/۲	۳۵/۸	۱۲	۱۳۸۴	پزشکان
۶۳/۶	۴۴/۸	۳۷/۵	۱۷/۸	۱۳۹۳	
۵۸/۴	۳۷/۹	۴۱	۲۱/۱	۱۳۹۷	
۵۶/۸	۳۵/۶	۴۲/۴	۲۲	۱۳۸۴	اعضای هیئت دولت (وزرا)
۵۲/۸	۳۱/۴	۴۲/۸	۲۵/۸	۱۳۹۳	
۳۲/۲	۱۵/۹	۳۲/۶	۵۱/۴	۱۳۹۷	
۵۳/۱	۳۰/۳	۴۵/۶	۲۴/۱	۱۳۸۴	مدیران و مسئولان دولتی
۴۴/۸	۲۲/۵	۴۴/۸	۳۲/۵	۱۳۹۳	
۳۴/۳	۱۵/۶	۳۷/۳	۴۷/۲	۱۳۹۷	
۵۹/۱	۴۰/۷	۳۶/۸	۲۲/۵	۱۳۸۴	مأمورین انتظامی و امنیتی
۵۸/۳	۳۹/۱	۳۸/۵	۲۲/۳	۱۳۹۳	
۵۰/۱	۳۱/۱	۳۸/۱	۳۰/۷	۱۳۹۷	
۵۰/۹	۲۸/۲	۴۵/۴	۲۶/۳	۱۳۹۳	روزنامه‌نگاران و مطبوعاتی‌ها
۳۹/۵	۱۷/۶	۴۳/۸	۳۸/۶	۱۳۹۷	

ماخذ: پیمایش‌های سرمایه اجتماعی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷

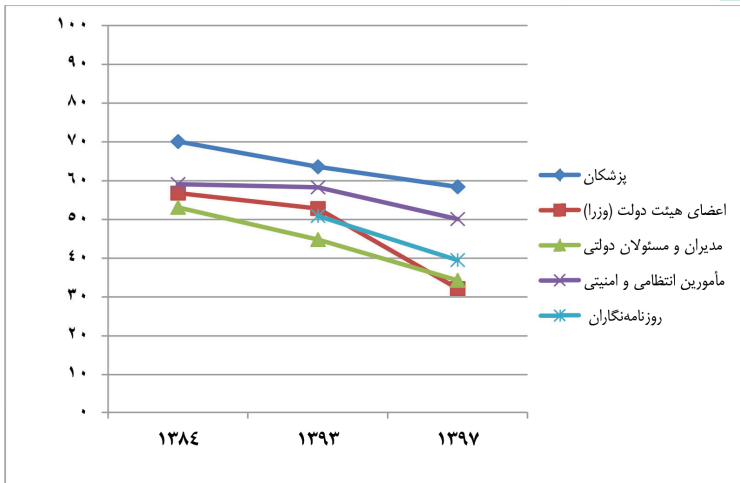
در مورد اعتماد به نهادهای شغلی و حرفه‌ای (نهادهای نمودارهای

۳ و ۲، آمار جدول ۲ را نشان می دهد؛ به طور خلاصه: ۱- طی سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷، میزان اعتماد به گروه‌های شغلی «معلمان، اساتید دانشگاه، نمایندگان مجلس، قضات، روحانیون» کاهش یافته است. در طول این سال‌ها، معلمان و پزشکان با وجود آنکه قابل اعتمادترین گروه‌های شغلی بوده‌اند اما روند اعتماد به آن‌ها نیز کاهش زیادی داشته است. نمایندگان مجلس نیز طی ۱۴ سال، بیشترین کاهش میزان اعتماد را داشته‌اند (نمودار ۲). ۲- در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ میزان اعتماد به گروه‌های شغلی «پزشکان، اعضای هیئت دولت، مدیران و مسئولین دولتی و مأمورین انتظامی و امنیتی» کاهش یافته است که بیشترین میزان کاهش به اعضای هیئت دولت و کمترین میزان کاهش متعلق به پزشکان است (نمودار ۳). کمترین میزان اعتماد نیز به نمایندگان مجلس، اعضای هیئت دولت مدیران و مسئولان دولتی اختصاص داشته است که نرخ نزولی نیز داشته است (نمودار ۲ و ۳). ۴- نرخ اعتماد به روحانیون در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۳، نزولی و شدید بوده است (نمودار ۲).



نمودار ۲: روند تغییرات میانگین اعتماد به گروه‌های شغلی در تراز ۱۰۰ (۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)

گزارش رصد فرهنگی



نمودار ۳: روند تغییرات میانگین اعتماد به گروه‌های شغلی در تراز ۱۰۰ (۱۳۸۴، ۱۳۹۳، و ۱۳۹۷)

در ادامه همین روند، می‌توان روند اعتماد به سازمان‌ها را نیز مورد بررسی قرار داد. در مورد اعتماد به سازمان‌ها، اعتماد به «بانک‌ها، بسیج، صداوسیما، نیروی انتظامی، شورای اسلامی شهر، انجمن‌های خیریه و شهرداری» طی سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ کاسته شده است (جدول ۳). نمودار ۴ نشان می‌دهد که میزان اعتماد به سازمان‌ها طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ کاهش یافته است. نمودار ۵ و ۶ نیز نشان می‌دهند که میزان اعتماد به سازمان‌ها طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ کاهش یافته است.

جدول ۳: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به سازمان‌های مختلف

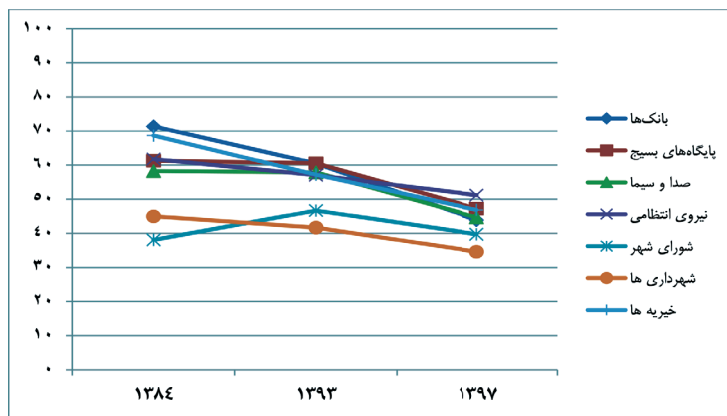
میانگین در تراز ۱۰۰	میزان اعتماد			سال	سازمان
	زیاد	تاحدودی	کم		
۷۱/۴	۶۲/۶	۱۷/۶	۱۹/۸	۱۳۸۴	بانک‌ها
۶۰/۵	۴۳/۴	۳۴/۵	۲۱/۸	۱۳۹۳	
۴۳/۹	۲۹/۹	۳۷/۹	۲۲/۲	۱۳۹۷	

میانگین در تراز ۱۰۰	میزان اعتماد			سال	سازمان
	زیاد	تاحدودی	کم		
۶۱/۳	۴۹/۹	۲۲/۸	۲۷/۳	۱۳۸۴	پایگاه‌های بسیج
۶۰/۶	۴۳/۴	۳۴/۲	۲۲/۵	۱۳۹۳	
۴۷/۳	۲۹/۵	۳۵/۵	۳۵/۱	۱۳۹۷	
۵۸/۳	۴۴/۵	۲۷/۶	۲۷/۸	۱۳۸۴	صددا و سیما
۵۷/۹	۳۸/۵	۳۸/۸	۲۲/۶	۱۳۹۳	
۴۴/۷	۲۵/۶	۳۸/۲	۳۶/۱	۱۳۹۷	
۶۱/۸	۵۰/۹	۲۱/۷	۲۷/۴	۱۳۸۴	نیروی انتظامی
۵۷/۱	۳۹/۶	۳۵	۲۵/۴	۱۳۹۳	
۵۱/۲	۳۲/۸	۳۶/۷	۳۰/۵	۱۳۹۷	
۳۸/۱	۲۶	۳۰/۴	۳۷/۳	۱۳۸۴	شورای شهر
۴۶/۷	۲۶/۲	۴۱	۳۲/۸	۱۳۹۳	
۳۹/۸	۲۰/۶	۳۸/۳	۴۱/۱	۱۳۹۷	
۴۵/۰	۳۱/۳	۲۷/۴	۴۱/۲	۱۳۸۴	شهرداری ها
۴۱/۷	۲۱/۹	۳۹/۶	۳۸/۵	۱۳۹۳	
۳۴/۶	۱۵/۹	۳۷/۵	۴۶/۵	۱۳۹۷	
۶۸/۷	۵۷/۴	۲۲/۵	۲۰/۱	۱۳۸۴	خیریه ها
۵۷/۲	۳۶/۹	۴۰/۴	۲۲/۹	۱۳۹۳	
۴۶/۹	۲۶/۸	۴۰/۲	۳۲/۹	۱۳۹۷	
۵۴/۸	۳۴/۹	۳۹/۷	۲۵/۴	۱۳۹۳	مراجع قضایی (دادگاه‌ها و...)
۴۴/۶	۲۶/۱	۳۷	۳۶/۹	۱۳۹۷	
۳۴/۹	۱۵/۶	۳۸/۶	۴۵/۸	۱۳۹۳	احزاب و تشکل‌های سیاسی
۳۰/۲	۱۲/۷	۳۴/۸	۵۲/۶	۱۳۹۷	
۶۸/۲	۵۰/۱	۳۶/۱	۱۳/۸	۱۳۹۳	مدارس
۵۶/۱	۳۶	۴۰/۱	۲۳/۹	۱۳۹۷	

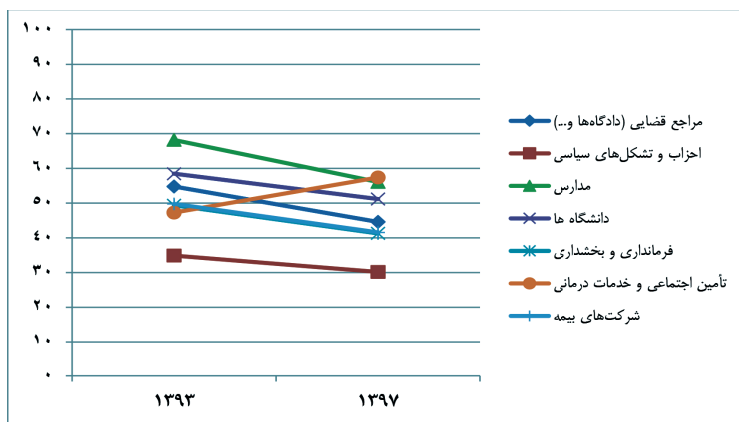
گزارش رصد فرهنگی

میانگین در تراز ۱۰۰	میزان اعتماد			سال	سازمان
	زیاد	ناحدودی	کم		
۵۸/۵	۳۸/۳	۴۰/۳	۲۱/۴	۱۳۹۳	دانشگاهها
۵۱/۲	۲۹/۶	۴۳/۲	۲۷/۲	۱۳۹۷	
۴۹/۴	۲۷/۸	۴۳/۱	۲۹/۱	۱۳۹۳	فرمانداری و بخشداری
۴۱/۳	۲۱/۵	۳۹/۶	۳۸/۹	۱۳۹۷	
۴۷/۳	۲۵/۸	۴۲/۹	۳۱/۳	۱۳۹۷	تأمین اجتماعی و خدمات درمانی
۵۷/۴	۳۷/۹	۳۸/۹	۲۳/۲	۱۳۹۳	
۴۹/۸	۲۸/۹	۴۱/۸	۲۹/۲	۱۳۹۳	شرکت‌های بیمه
۴۱/۶	۲۰/۳	۴۲/۷	۳۶/۹	۱۳۹۷	
۴۱/۲	۲۰/۱	۴۲/۲	۳۷/۷	۱۳۹۳	تعاونی‌ها (مصرف، مسکن و...)
۳۵/۱	۱۴/۹	۴۰/۸	۴۳/۹	۱۳۹۷	
۳۴/۶	۱۶	۳۷/۱	۴۶/۹	۱۳۹۳	بازار (تجار و بازاریان)
۳۰/۶	۱۲/۸	۳۵/۵	۵۱/۷	۱۳۹۷	
۵۶/۵	۳۷/۲	۳۸/۵	۲۴/۳	۱۳۹۳	کمیته امداد
۴۳/۶	۲۴/۸	۳۷/۷	۳۷/۴	۱۳۹۷	
۵۲/۸	۳۳/۱	۳۹/۳	۲۷/۶	۱۳۹۳	بیمارستان‌های دولتی
۴۷/۰	۲۶/۶	۴۰/۷	۳۲/۷	۱۳۹۷	
۵۳/۹	۳۴/۲	۳۹/۳	۲۶/۵	۱۳۹۳	بیمارستان‌های خصوصی
۴۶/۷	۲۶/۸	۳۹/۷	۳۳/۶	۱۳۹۷	
۵۳/۵	۳۲/۶	۴۱/۷	۲۵/۷	۱۳۹۳	اداره مخابرات
۴۰/۷	۱۹/۸	۴۱/۷	۳۸/۵	۱۳۹۷	
۲۸/۴	۱۱/۶	۳۳/۵	۵۴/۹	۱۳۹۳	بنگاه املاک
۲۷/۴	۱۰/۳	۳۴/۲	۵۵/۵	۱۳۹۷	
۳۷/۴	۱۶/۴	۴۲/۱	۴۱/۴	۱۳۹۳	اداره دارایی و امور مالیاتی
۳۲/۹	۱۳	۳۹/۷	۴۷/۳	۱۳۹۷	

مأخذ: پیمایش‌های سنجش سرمایه اجتماعی کشور، ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷

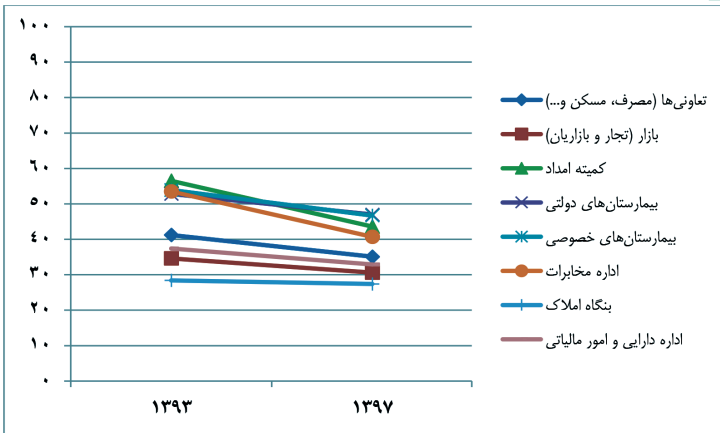


نمودار ۴: روند تغییرات میانگین اعتماد به سازمان‌ها در سالهای ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ در تراز ۱۰۰



نمودار ۵: روند تغییرات اعتماد به سازمان‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ در تراز ۱۰۰

گزارش رصد فرهنگی

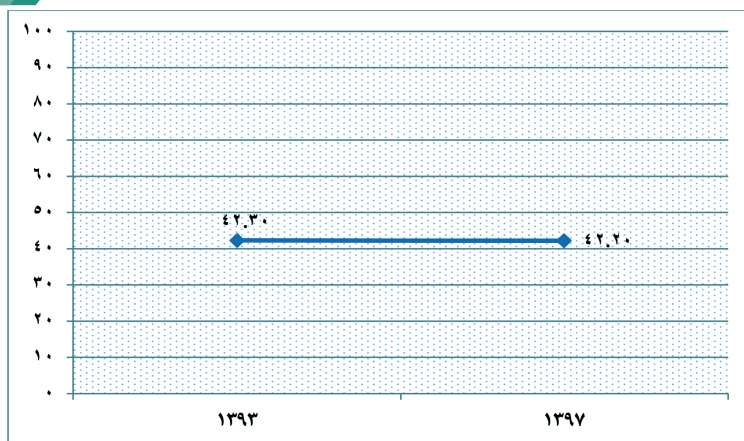


نمودار ۶: روند تغییرات میانگین اعتماد به سازمان‌ها در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ در تراز ۱۰۰ در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷. میزان اعتماد به ۱۵ سازمان «مدارس، دانشگاه‌ها، فرمانداری و بخشداری، تأمین اجتماعی و خدمات درمانی، شرکت‌های بیمه، تعاونی‌ها، بازار، مراجع قضایی، کمیته امداد امام خمینی، بیمارستان‌های دولتی، بیمارستان‌های خصوصی، اداره مخابرات، بنگاه معاملات ملکی، اداره دارایی و امور مالیاتی»، کاهش یافته است. در بین تمامی سازمان‌های مذکور، در مقایسه میزان اعتماد به آن‌ها حد فاصل سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷، صداوسیما بیشترین کاهش اعتماد را به‌خود اختصاص داده است. در مجموع، میزان اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای کشور، طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ کاهش یافته است.

جدول ۴: توزیع درصدی اعتماد به سازمان‌ها (۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)

میانگین در تراز ۱۰۰	میزان اعتماد			سال
	زیاد	تاحدی	کم	
۴۲/۳	۱۶	۵۲/۶	۳۱/۴	۱۳۹۳
۴۲/۲	۲۲/۴	۳۹/۵	۳۸/۱	۱۳۹۷

مآخذ: پیمایش‌های سنجش سرمایه اجتماعی کشور، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷



نمودار ۷: روند تغییرات میانگین اعتماد سازمانی در تراز ۱۰۰ (۱۳۹۷ و ۱۳۹۳)

علاوه بر اعتماد نهادی و سازمانی، «پنداشت مردم از موفقیت نظام» در حوزه‌های مختلف، می‌تواند نشان‌دهنده اعتماد نهادی و رضایت عمومی باشد. نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که پنداشت و نگرش مردم نسبت به موفقیت نظام در حل مشکلات جامعه، متوسط به پایین است و روندی کاهشی داشته است. جالب اینکه میزان موفقیت نظام در مقوله مهار «ناامنی» درست است که از متوسط پایین تر بوده است اما نسبت به دیگر مقوله‌ها وضعیت بهتری داشته است اما باز هم در همین مقوله، نمره موفقیت نظام در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. به طور کلی، دولت در بحث امنیت نمره متوسط یا پایینی گرفته است.

گزارش رصد فرهنگی

جدول ۵: روند تغییرات نگرش عمومی در مورد «موفقیت نظام در حل مشکلات» طی سال های مختلف

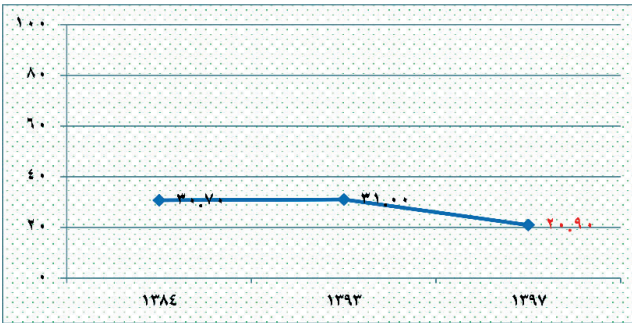
میانگین در تراز ۱۰۰	میزان موفقیت			سال	حل مشکلات
	زیاد	تاحدودی	کم		
۱۷/۱	۸/۱	۱۹/۶	۷۰/۷	۱۳۸۴	بیکاری
۱۶/۶	۶/۸	۱۹/۶	۷۳/۶	۱۳۹۳	
۱۰/۹	۵/۸	۱۰/۲	۸۴	۱۳۹۷	
۲۱/۰	۱۱/۸	۲۲/۵	۶۱/۶	۱۳۸۴	تبعیض و نابرابری
۲۳/۳	۱۰/۱	۲۶/۴	۶۳/۵	۱۳۹۳	
۱۳/۵	۶/۴	۱۴/۲	۷۹/۴	۱۳۹۷	
۲۰/۸	۱۳	۱۶/۶	۶۹/۴	۱۳۸۴	گرانی و تورم
۱۹/۱	۱۰/۹	۱۶/۳	۷۲/۸	۱۳۹۳	
۱۱/۲	۶/۹	۸/۵	۸۴/۶	۱۳۹۷	
۴۱/۹	۲۵/۶	۳۴/۳	۳۸/۳	۱۳۸۴	نامنی
۴۸/۹	۳۳/۱	۳۱/۵	۳۵/۴	۱۳۹۳	
۳۸/۷	۲۴/۳	۲۸/۸	۴۶/۹	۱۳۹۷	
۲۸/۰	۱۲/۶	۳۰/۷	۵۶/۷	۱۳۹۳	فساد مالی و ارتشا
۱۶/۳	۸	۱۶/۶	۷۵/۴	۱۳۹۷	
۲۳/۵	۱۳/۸	۲۰/۸	۶۴	۱۳۸۴	فقر
۲۲/۰	۱۰/۴	۲۳/۱	۶۶/۵	۱۳۹۳	
۱۳/۷	۷/۳	۱۲/۸	۷۹/۹	۱۳۹۷	
۲۵/۹	۱۷/۲	۱۹/۵	۶۱/۲	۱۳۸۴	اعتیاد
۲۴/۷	۱۳/۶	۲۲/۲	۶۴/۲	۱۳۹۳	
۱۸/۵	۹	۱۹	۷۲	۱۳۹۷	
۵۷/۳	۴۰/۳	۳۵/۶	۲۲/۵	۱۳۸۴	درمان و سلامت
۵۲/۲	۳۲/۲	۳۹/۹	۲۷/۹	۱۳۹۳	
۳۵/۴	۱۷/۴	۳۵/۹	۴۶/۷	۱۳۹۷	

میانگین در تراز ۱۰۰	میزان موفقیت			سال	حل مشکلات
	زیاد	تاحدودی	کم		
۴۱/۸	۲۲/۲	۳۹	۳۸/۹	۱۳۹۳	مراقبت از محیط زیست
۲۸/۲	۱۲/۹	۳۰/۷	۵۶/۳	۱۳۹۷	
۳۸/۳	۲۱/۹	۳۷/۵	۳۵/۸	۱۳۸۴	قانون‌گریزی
۳۳/۵	۱۵/۴	۳۶/۱	۴۸/۵	۱۳۹۳	
۲۲/۴	۹/۸	۲۵/۲	۶۵	۱۳۹۷	
۳۰/۷	۱۸/۹۶	۲۵/۸	۵۲/۹۳	۱۳۸۴	میانگین
۳۱/۰	۱۶/۷۳	۲۸/۴۷	۵۴/۸	۱۳۹۳	
۲۰/۹	۱۰/۷۸	۲۰/۱۹	۶۹/۰۲	۱۳۹۷	

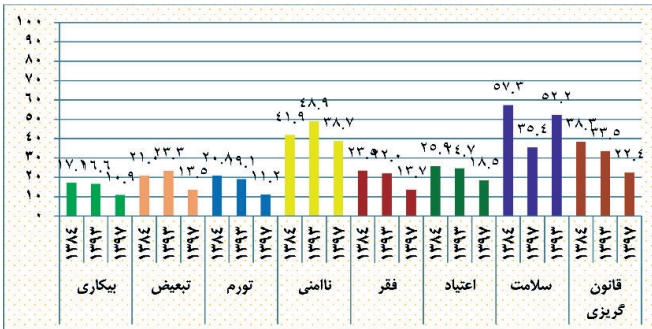
منبع: پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی ۱۳۹۷ - ۱۳۹۳ - ۱۳۸۴

بر اساس پیمایش سال ۱۳۹۷، مسائل و مشکلاتی که نگرش مردم درخصوص عملکرد نظام در مورد آن‌ها، بیشتر منفی بوده است به ترتیب عبارتند از: گرانی و تورم، بیکاری، تبعیض و نابرابری، فساد مالی و ارتشا، اعتیاد، قانون‌گریزی و... روند داده‌های پیمایش‌های مختلف از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که جامعه ایران از سطح «متوسط به پایین» اعتماد نهادی و سیاسی برخوردار است و این روند «نزولی» است. در پیمایش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۷)، میانگین «پنداشت نسبت به عملکرد نظام در حل مشکلات» نسبت به سال ۱۳۹۳، «کاهش» یافته است؛ در سال ۱۳۹۳، حدود ۵۴/۸ درصد و در سال ۱۳۹۷، ۶۹/۰۲ درصد از افراد نگرش منفی نسبت به عملکرد نظام اداره کشور داشته‌اند و پیمایش فرهنگ سیاسی ایرانیان (۱۳۹۷) نیز این نتیجه را تأیید می‌کند. نمودار ۹ نشان می‌دهد که از ده مسئله مطرح شده، ارزیابی منفی مردم از موفقیت نظام در حل مشکلات در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۳ بیشتر شده است.

گزارش رصد فرهنگی

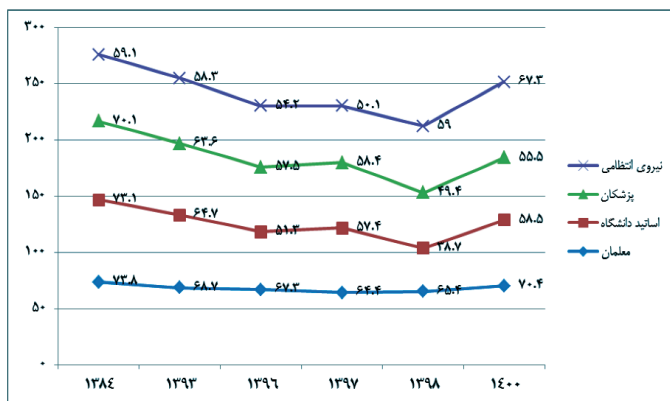


نمودار ۸: میانگین پنداشت مردم از موفقیت نظام در حل مشکلات در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷
منبع: پیمایش‌های سرمایه اجتماعی، ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷



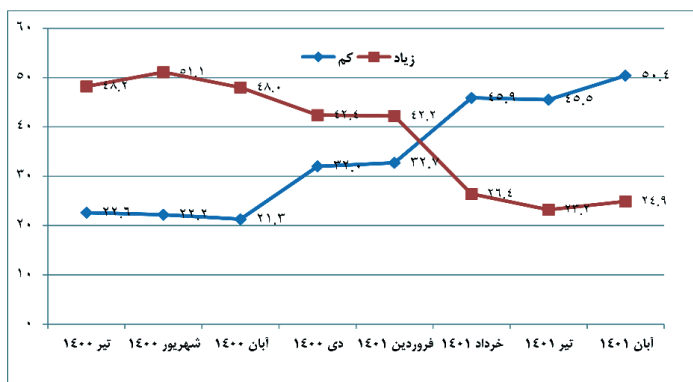
نمودار ۹: ارزیابی از موفقیت نظام اداره کشور در حل مشکلات مختلف (سال ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)
بنابراین می‌توان گفت جامعه ایران از سطح «متوسط به پایین» اعتماد نهادی و سیاسی برخوردار است؛ زیرا روند پیمایش‌های صورت گرفته از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷، نشان می‌دهد که اعتماد به دولت و نظام اداره کشور نزولی بوده است. کاهش «اعتماد نهادی و سیاسی» پیامدهای منفی زیادی برای جامعه و دولت دارد و هزینه‌های مدیریت کشور را افزایش می‌دهد. در سال ۹۸ (نظرسنجی مرکز تحقیقات صدا و سیما) نشان می‌دهد که اعتماد به نیروی انتظامی افزایش یافته است و در سال ۱۴۰۰ (نظرسنجی ایسپا) این یافته را تأیید می‌کند (نمودار ۱۰). نظرسنجی صدا و سیما در مورد ۳ نهاد دیگر یعنی پزشکان، اساتید دانشگاه و معلمان، روند نزولی نشان می‌دهد

اما نظرسنجی سال ۱۴۰۰ ایسپا، حاکی از افزایش میزان اعتماد این نهادهاست.



نمودار ۱۰: روند اعتماد به چهار نهاد اجتماعی

میزان محبوبیت رئیس جمهور و دیگر اعضای دولت را می توان نشانی از اعتماد و رضایت از عملکرد نهادی در نظر گرفت. در گزارشی که از یک نظرسنجی در آبان ۱۴۰۱ (با نمونه ۱۵۰۳ نفر از کل کشور) به دست آمده است، میزان محبوبیت آقای رئیسی کاهشی بوده است (نمودار ۱۱). در این نظرسنجی، جوانان (گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال)، و تحصیل کردگان دانشگاهی به طور محسوسی، محبوبیت آقای رئیسی را کمتر ارزیابی کرده اند (جدول ۶).

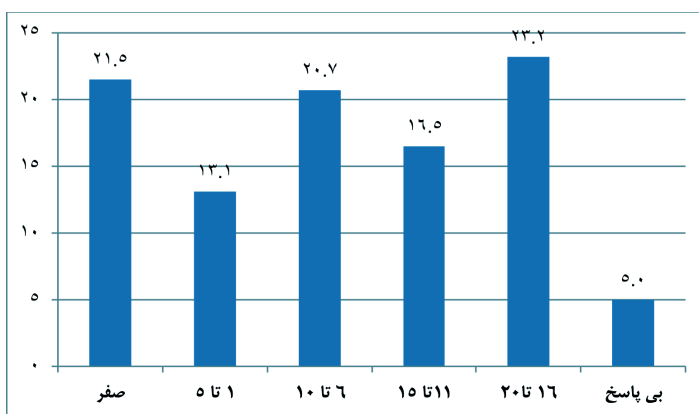


نمودار ۱۱: روند میزان محبوبیت رئیس جمهور

گزارش رصد فرهنگی

جدول ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی آنها از میزان محبوبیت آقای رئیسی به تفکیک جنس، سن و تحصیلات

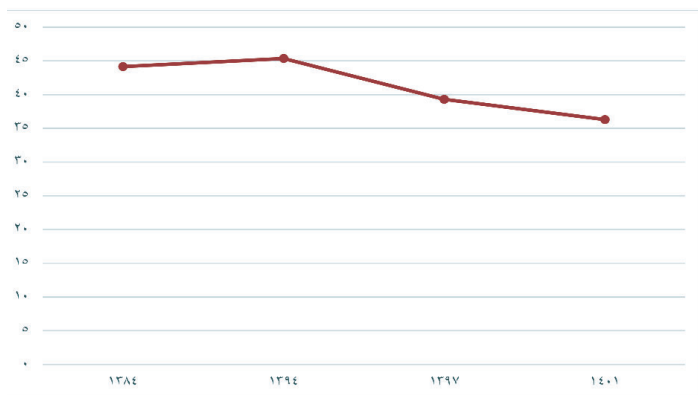
تحصیلات			سن			جنسیت		میزان محبوبیت آقای رئیسی در جامعه
دانشگاهی	فیلیم	زیردیپلم	۵۰+	۴۹-۳۰	۲۹-۱۵	زن	مرد	
۵۹/۳	۵۹/۷	۳۴/۲	۴۱/۷	۵۲/۴	۵۵/۴	۴۷/۶	۵۳/۸	کم
۹/۲	۱۰/۲	۱۳/۰	۱۲/۲	۱۰/۳	۱۰/۶	۱۰/۰	۱۱/۷	متوسط
۲۲/۰	۱۹/۷	۳۳/۲	۲۹/۲	۲۵/۶	۲۱/۰	۲۵/۷	۲۴/۴	زیاد
۹/۴	۱۰/۴	۱۹/۶	۱۶/۹	۱۱/۸	۱۳/۰	۱۶/۷	۱۰/۱	نمی‌دانم
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل



نمودار ۱۲: نمره به عملکرد دولت آقای رئیسی (آبان ۱۴۰۱)

در گزارشی دیگر که در بهار ۱۴۰۱ انجام شده، میزان سرمایه اجتماعی حاکمیت و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن یعنی اعتماد نهادی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به روش تحلیل کلان داده در فضای مجازی و بر مبنای تحلیل احساسات کاربران و محتواهای تولید شده بوده است و تلاش داشته است تا سرمایه اجتماعی حاکمیت از طریق بررسی شبکه‌های

اجتماعی مجازی سنجیده شود. در بازه بهار ۱۴۰۱، ۴/۵ میلیون اکانت و ۸۵ میلیون محتوای تولید شده تحلیل و بررسی شده است. نتایج کلی این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی حاکمیت در بهار ۱۴۰۱، ۳۶/۳ درصد بوده است که در مقایسه با سال ۱۳۹۷، ۳ درصد کاهش یافته است. در این تحقیق، هر ۳ شاخص سرمایه اجتماعی حاکمیت وضعیت نامطلوبی داشته‌اند اما شاخص اعتماد به حکمرانی یا همان اعتماد نهادی با امتیاز ۳۰/۳۴ درصد و شاخص مشارکت اجتماعی با امتیاز ۲۵/۵۶ درصد، کمترین میزان را داشته‌اند.



نمودار ۱۳: تغییرات شاخص سرمایه اجتماعی در بُعد حاکمیت در دو دهه اخیر

گزارش نظرسنجی احساس ناامنی

در روزهای بحران مسمومیت دختران در مدارس، یک نظرسنجی تلفنی در شهر تهران با نمونه ۶۲۳ نفر انجام شده است. محتوی پرسش‌ها مربوط به منبع کسب خبر و احساس ناامنی بوده است. در پرسش اول از افراد پرسیده شده است که «از ماجرای مسمومیت‌ها و حواشی آن مطلع هستید؟» همانطور که جدول ۷ نشان می‌دهد، میزان اطلاع از بحران ۸۶/۵ درصد بوده است. در پرسش دوم، احساس ناامنی پاسخگویان سنجیده شده است: چقدر از اخبار مربوط به مسمومیت‌ها و حواشی آن احساس ناامنی می‌کنید؟ جدول ۸

گزارش رصد فرهنگی

نشان می دهد که اکثریت افراد از اخبار شنیده شده احساس ناامنی کرده اند.

جدول ۷: میزان اطلاع از مسمومیت ها و حواشی آن (اسفند ۱۴۰۱)

پاسخ	فراوانی معتبر	درصد فراوانی معتبر
بله	۵۳۹	۸۶/۵
خیر	۸۴	۱۳/۵
جمع	۶۲۳	۱۰۰

جدول ۸: میزان احساس ناامنی از اخبار مربوط به مسمومیت ها و حواشی آن (اسفند ۱۴۰۱)

میزان	فراوانی معتبر	درصد معتبر
کم	۱۶۵	۳۰/۸
متوسط	۹۷	۱۸/۱
زیاد	۲۷۳	۵۱
جمع (پاسخ معتبر)	۵۳۵	۱۰۰

آمار جدول ۹ نشان می دهد که زنان تا حدی بیشتر از مردان احساس ناامنی داشته اند.

جدول ۹: احساس ناامنی بر حسب جنسیت (اسفند ۱۴۰۱)

جمع	چقدر از اخبار مربوط به مسمومیت ها و حواشی آن احساس ناامنی می کنید؟			جنس
	زیاد	متوسط	کم	
۲۴۲	۱۱۷	۳۷	۸۸	مرد
۱۰۰/۰	۴۸/۳	۱۵/۳	۳۶/۴	
۲۹۳	۱۵۶	۶۰	۷۷	زن
۱۰۰/۰	۵۳/۲	۲۰/۵	۲۶/۳	
۵۳۵	۲۷۳	۹۷	۱۶۵	جمع
۱۰۰/۰	۵۱/۰	۱۸/۱	۳۰/۸	

آمار جدول ۱۰ نشان می‌دهد که احساس ناامنی با منبع کسب خبر رابطه داشته است و کسانی که از منابع غیر رسمی (پلتفرم‌های خارجی و شبکه‌های ماهواره‌ای) خبر می‌گرفته‌اند، بیشتر احساس ناامنی کرده‌اند.

جدول ۱۰: احساس ناامنی بر حسب منبع کسب خبر (اسفند ۱۴۰۱)

جمع	چقدر از اخبار مربوط به مسمومیت‌ها و حواشی آن احساس ناامنی می‌کنید؟			آمار	منبع کسب خبر
	زیاد	متوسط	کم		
۲۳۴	۱۰۵	۵۷	۷۲	فراوانی	صداوسیما
۱۰۰/۰	۴۴/۹	۲۴/۴	۳۰/۸	درصد	
۱۳۷	۸۲	۱۸	۳۷	فراوانی	سکوهای خارجی
۱۰۰/۰	۵۹/۹	۱۳/۱	۲۷/۰	درصد	
۳۲	۲۴	۲	۶	فراوانی	ماهواره
۱۰۰/۰	۷۵/۰	۶/۳	۱۸/۸	درصد	
۲۶	۸	۶	۱۲	فراوانی	سکوهای داخلی
۱۰۰/۰	۳۰/۸	۲۳/۱	۴۶/۲	درصد	
۷	۱	۲	۴	فراوانی	روزنامه
۱۰۰/۰	۱۴/۳	۲۸/۶	۵۷/۱	درصد	
۷۶	۳۷	۸	۳۱	فراوانی	سایر
۱۰۰/۰	۴۸/۷	۱۰/۵	۴۰/۸	درصد	
۵۱۲	۲۵۷	۹۳	۱۶۲	فراوانی	جمع
۱۰۰/۰	۵۰/۲	۱۸/۲	۳۱/۶	درصد	

عملکرد رسانه‌ای

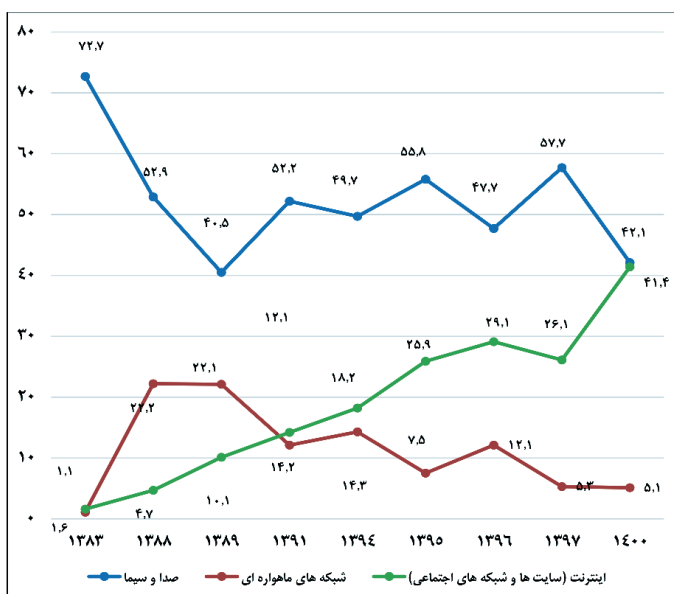
در بخش بررسی اعتماد نهادی، دیدیم که در بین تمامی نهادهای رسمی، حد فاصل سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷، صداوسیما بیشترین کاهش اعتماد را به‌خود اختصاص داده است. یافته‌های به‌دست‌آمده

گزارش رصد فرهنگی

از ۹ موج نظرسنجی انجام شده توسط مرکز افکارسنجی ایسپا نشان می دهد استفاده از صداوسیما به عنوان مهم ترین منبع کسب اطلاعات پاسخگویان از سال ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۰ روندی نزولی طی کرده است. در سال ۱۳۸۳ حدود دوسوم پاسخگویان (۷۲/۷ درصد) صداوسیما را به عنوان مهم ترین منبع به دست آوردن اطلاعات ذکر کرده بودند، این میزان در شهریور ۱۴۰۰ با وجود انحصاری بودن و فراگیری آن به ۴۲/۱ درصد کاهش یافته است. حال آنکه در مورد شبکه های اجتماعی و سایت های اینترنتی شاهد روندی معکوس و صعودی هستیم، به طوری که رجوع به این رسانه ها طی ۱۷ سال، از ۱/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۴۱/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

جدول ۱۱: روند مرجعیت خبری و منابع کسب خبر

۱۴۰۰	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۱	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۳	منابع کسب خبر
۴۲/۱	۵۷/۷	۴۷/۷	۵۵/۸	۴۹/۷	۵۲/۲	۴۰/۵	۵۲/۹	۷۲/۷	صداوسیما
۲/۰	۴/۹	۴/۴	۳/۵	۷/۳	۳/۸	۷/۲	-	۱۱/۴	دوستان و آشنایان
۵/۱	۵/۳	۱۲/۱	۷/۵	۱۴/۳	۱۲/۱	۲۲/۱	۲۲/۲	۱/۱	شبکه های ماهواره ای
۴۱/۴	۲۶/۱	۲۹/۱	۲۵/۹	۱۸/۲	۱۴/۲	۱۰/۱	۴/۷	۱/۶	سایت ها و شبکه های اجتماعی
۰/۲	۱/۸	۴/۳	۲/۵	۸/۱	۱۰/۹	۱۷/۵	۱۶/۳	۱۲/۶	روزنامه ها

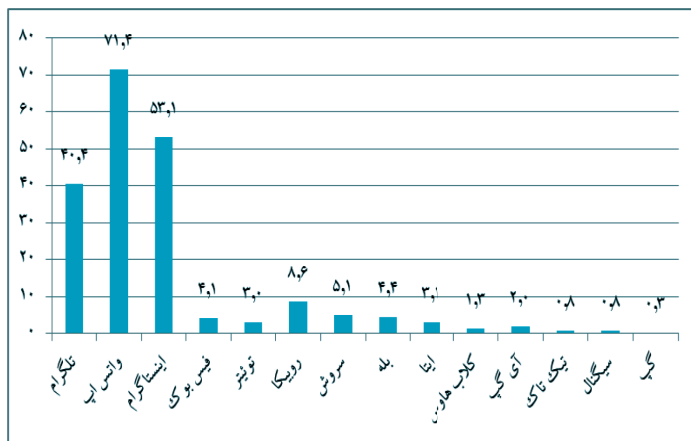


نمودار ۱۴: روند مرجع خبری افراد

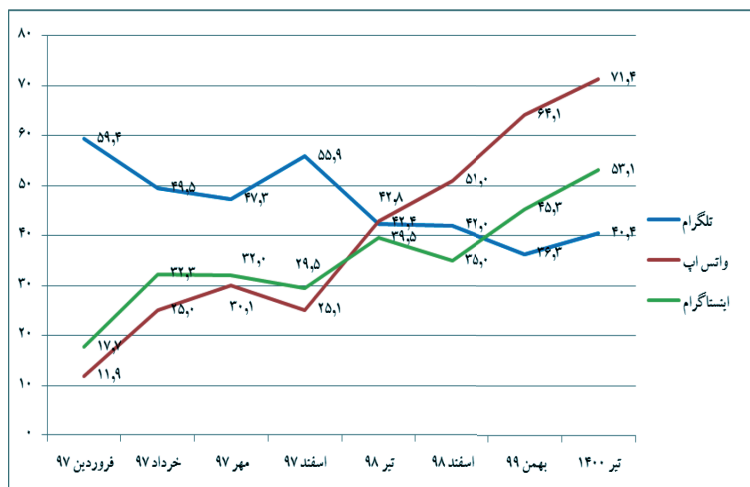
منبع: تحلیلی از وضعیت گروه‌های مرجع در ایران، مرکز رصد فرهنگی کشور (۱۴۰۱)

این وضعیت ضعف مرجعیت رسانه های و خبری، در مورد رسانه های اجتماعی داخلی نیز مصداق دارد. طبق نظرسنجی ایسپا در تیرماه ۱۴۰۰، وضعیت استفاده از رسانه های اجتماعی خارجی و داخلی به شرح نمودار ۱۵ است. همانطور که مشاهده می شود، واتس آپ، اینستاگرام و تلگرام، سه رسانه اجتماعی پرکاربرد در ایران بوده اند هرچند که در آن زمان، تلگرام فیلتر بود و دو شبکه دیگر آزاد بوده اند. در مجموعه نظرسنجی های ایسپا (فروردین ۱۳۹۷ تا تیر ۱۴۰۰)، مصرف رسانه های اجتماعی واتس آپ، اینستاگرام و تلگرام به ترتیب، بیشترین فراوانی را داشته است (نمودار ۱۶).

گزارش رصد فرهنگی



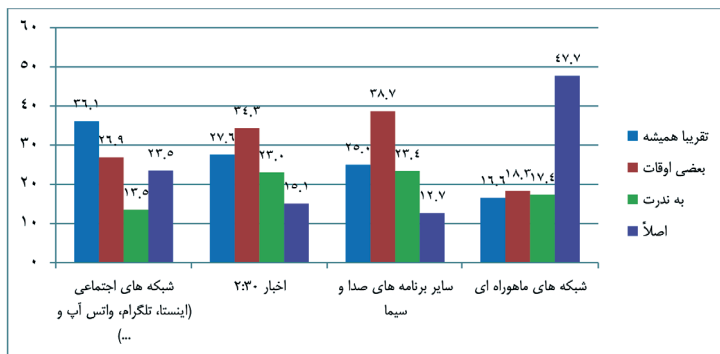
نمودار ۱۵: محبوبیت رسانه های اجتماعی در تیرماه ۱۴۰۰



نمودار ۱۶: مقایسه مصرف رسانه های اجتماعی محبوب حد فاصل فروردین ۱۳۹۷ تا تیر ۱۴۰۰

در یک نظرسنجی دیگر در ۱۰ آبان ۱۴۰۱، میزان استفاده از منابع خبری مختلف پرسیده شده است که نتایج آن در نمودار ۱۵ قابل مشاهده است. در این نظرسنجی نیز شبکه های اجتماعی در صدر مرجع خبری هستند

و البته صدا و سیما هنوز هم منبع خبری اصلی و مهمی است. البته یک نکته در مورد شبکه های اجتماعی و شبکه های ماهواره ای اینکه، بسیاری از افراد در لیست شبکه های اجتماعی خود، شبکه های تلویزیونی ماهواره ای مانند بی بی سی، ایران اینترنشنال و ... را دنبال می کنند.



نمودار ۱۷: میزان استفاده از منابع خبری مختلف

پس از اتفاقات شهریور ۱۴۰۱، دو پلتفرم اینستاگرام و واتس آپ فیلتر شدند. در گزارش مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که از نظرسنجی آبان ۱۴۰۱ (با نمونه ۱۵۰۳ نفر از کل کشور) به دست آمده است، ۸۰/۴ درصد مردم اعلام کرده اند که در صورت تداوم فیلترینگ واتس آپ و اینستاگرام هم، تمایلی به استفاده از شبکه های اجتماعی داخلی برای کسب و کار ندارند.

در ادامه این گزارش، نحوه مواجهه خانواده های یک مدرسه با بحران گزارش می شود. در نگرش ها و رفتار این خانواده ها، شاهد نوعی از بیم و بی اعتمادی به دستگاه های مربوط و به طور کلی به دولت هستیم که نیازمند این است که برای حل آن چاره ای اندیشیده شود.

مواجهه خانواده ها با بحران

در مدرسه مورد بررسی، ۱۴ نفر از مادران کلاس دوم ابتدایی یک مدرسه

دخترانه انتخاب شده و نگرش آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. مادران در گروه مجازی دربارهٔ اینکه چه باید کنند بحث و گفتگو کرده‌اند و این گزارش، روایت و تحلیلی بر همین بحث و گفتگوهاست. در روز ۱۳ اسفند، خبرها حاکی از آن بود که در چندین مدرسه دیگر در تهران و دیگر شهرها دختران دچار مسمومیت شده‌اند که یکی از آن‌ها، مدرسه‌ای نزدیک مدرسه مورد بررسی در این گزارش بود؛ به همین دلیل دیدگاه مادران در روز ۱۴ اسفند حاکی از حساسیت و نگرانی بیشتر شده است. در این گزارش کوتاه سعی می‌شود که تنوع دیدگاه‌ها و کنش مادران در مورد این مسئله پوشش داده شود. در مورد اینکه عاملان این اتفاق چه کسانی هستند، مادران نظر قاطعی نداشته‌اند و معتقدند که کسی نمی‌داند چه گروه‌ها و سازمان‌هایی پشت این حملات هستند اما معتقدند که دولت این مسئله را جدی نگرفته و به همین دلیل نیز این مشکل ادامه‌دار شده است. اما مادران در مورد اینکه در برابر واقعهٔ مسمومیت «چه کار باید کرد»، دیدگاه‌های مختلف داشته‌اند که این گزارش بر همین محور تکیه دارد.

رفتن یا نرفتن بچه‌ها به مدرسه

دسته اول مادران: این دسته از مادران، احساس نگرانی بیشتری کرده‌اند و راهکارهایشان نیز جدی‌تر بوده است. البته میزان و شدت حساسیت به مسئله در بین این مادران متفاوت بوده است. یکی از راهکارها در این دسته از مادران، نفرستادن بچه‌ها به مدرسه و آنلاین شدن مدرسه است تا این واقعه فروکش کند و مقامات دولتی برای حل و فصل آن به مردم اطمینان دهند. در این مورد، ۶ نفر از مادران، معتقد به نفرستادن بچه‌ها به مدرسه حداقل در روزهای اول هفته هستند تا برای این واقعه تعیین تکلیف شود و دولت برای حل و فصل آن به‌طور جدی وارد شود. این مادران معتقدند که با نفرستادن بچه‌ها به مدرسه، این پیام

هم به مقامات مدرسه هم به مقامات آموزش و پرورش ارسال می‌شود که جدی هستیم و جان و روح و روان بچه‌هایمان آن‌قدر برایمان مهم است که مدرسه را تحریم می‌کنیم و با این پیام مجبور خواهند بود که مسئله را جدی بگیرند و هم آن را پیگیری کنند و هم انتظامات مدرسه را بیشتر رعایت کنند. از نگاه دوتا از مادران این دسته، نفرستادن مادران در روز شنبه به مدرسه، اعلام همبستگی نیز خواهد بود. همچنین برخی مادران این دسته اعلام کرده‌اند که در روزهای یکشنبه به بعد در صورتی که انتظامات بیشتری انجام شود و بچه‌ها در حیات مدرسه نروند، ممکن است که بچه‌هایشان را به مدرسه بفرستند. اما اگر مسئله همچنان تداوم داشته باشد، شدت بگیرد و هم اینکه مقامات دولتی کاری نکنند و مقامات مدرسه هم مسائل ایمنی و امنیتی را انجام ندهد، بازهم بچه‌ها را با مدرسه نخواهند فرستاد.

البته یک مسئله حساس در مادران این دسته، توضیح دادن به بچه‌ها بابت نرفتن به مدرسه بوده است. مادر یکی از بچه‌ها ابراز کرده است که «برای بچه‌ها نباید توضیح دهیم که چون ممکن است در مدرسه مسموم بشوید شما را به مدرسه نمی‌فرستیم». از نظر این مادر، ما نباید بچه‌ها را نسبت به مدرسه هراسان کنیم و ترس را در دل آن‌ها بکاریم بلکه باید برای آن‌ها توضیح دهیم که «به دلیل برخی برنامه‌های آموزش و پرورش، ممکن است که یک یا چند روز به مدرسه نروید.»

دسته دوم مادران: ۸ نفر دیگر از مادران، با وجود آنکه در مورد واقعه برخی نگرانی‌ها ابراز کرده‌اند، اما معتقدند که مدرسه رفتن بچه‌ها باید ادامه یابد و نفرستادن بچه‌ها به مدرسه مشکلی را حل نمی‌کند و بی‌فایده است. آن‌ها این مسئله را کمتر جدی گرفته‌اند و معتقدند که در مدارس غیرانتفاعی مسئله‌ای رخ نداده و نخواهد داد چون انتظامات بیشتری دارد. به نظر این دسته، این مشکل موقتی است و در روتین بچه‌ها نباید خللی ایجاد کنیم.

برخی از مادران این دسته، البته نگرانی ابراز کرده‌اند اما معتقدند که با دیگر مادران در مدارس دیگر هم صحبت کرده‌اند و آن‌ها نیز معتقد بوده‌اند که مدرسه نفرستادن بچه‌ها به مدرسه، فایده‌ای ندارد و مشکلی را حل نخواهد کرد. البته یک نفر از مادران تأکید کرد است که بچه را به مدرسه خواهد فرستاد در صورتی که به حیاط مدرسه نروند و در ساختمان اصلی بمانند. یکی از مادران در این دسته، نرفتن مکرر بچه‌ها به مدرسه را باعث بی‌ثباتی آموزشی و روحی بچه‌ها دانسته است:

«بچه‌ها در سال جاری به دلایل و عوامل متعدد (آلودگی، برف و ...) طی روزهای زیادی به مدرسه نرفته‌اند و مدرسه ثباتی نداشته است و این بی‌ثباتی به آموزش و روحیه بچه‌ها هم لطمه زده و برای خود بچه‌ها هم بهتر است که به مدرسه بروند. مدرسه امسال این قدر شل و سفت شده است و همین هم باعث شده است که بچه‌ها دائماً انتظار تعطیل شدن مدرسه را داشته باشند. بچه من می‌گوید شنبه انگار تعطیل است و من می‌گویم نه کی گفته؟ و او می‌گوید سایت مدرسه را چک کن اگر مدرسه تعطیل است من امشب دیرتر بخوابم. این است که تعطیلی‌های مکرر مدرسه باعث شده است که این بچه‌ها هیچ ثباتی نداشته باشند و ما والدین هیچ برنامه‌ریزی نتوانیم بکنیم». البته یکی از مادرانی که به همین دسته دوم تعلق دارد معتقد است که نرفتن بچه‌ها به مدرسه، اعتراض و عمل نتیجه بخشی نیست بلکه ما باید بچه‌ها را به مدرسه بفرستیم و روبه روی آموزش و پرورش تجمع کنیم تا به این مسئله رسیدگی کنند:

«نفرستادن بچه‌ها به مدرسه‌ای که یک مدیر و ناظم دارد، هیچ نتیجه‌ای ندارد و هیچ‌کسی هم خبردار نمی‌شود. من باید بروم آموزش و پرورش و صدایم را برسانم. اینکه بچه‌ام را به مدرسه نفرستم، صدایم به جای نمی‌رسد. به قول همسرم، بچه را باید مدرسه بگذاریم مدرسه و به آموزش و پرورش برویم؛ اعتراض را باید اینجوری به گوششان رساند. تحریم

مدرسه همدردی با بقیه هم نیست و مشکلی حل نمی‌کند. بنابراین باید یک اجماع جمعی باشد تا صدایمان برسد نه اینکه یک مدرسه بچه‌ها رو به مدرسه نفرستند؛ اینجوری صدای ما به کسی نمی‌رسد. با نرفتن بچه‌ها، ما به آسایش نمی‌رسیم. جنگ هم نمی‌توانیم بکنیم با اینا».

یکی دیگر از مادران با تأیید این سخن معتقد است که با نفرستادن بچه‌ها به مدرسه در یک یا دو روز، مشکلی حل نخواهد شد و باید به سمت آموزش و پرورش رفته و اعتراض خود را در آنجا نشان بدهیم: «من چون سر کار می‌روم، شرایط نگهداری بچه‌ام را در خانه ندارم و بنابراین می‌برم مدرسه؛ ما هم نمی‌دانیم چه می‌خواهد بشود. هر روز نگران هستیم ولی نمی‌دانیم که بچه را نفرستیم مدرسه، چه نتیجه‌ای خواهد داشت». در روز ۱۲ اسفند، از ۱۴ نفر، ۸ نفر موافق رفتن بچه‌ها به مدرسه بوده‌اند. به همین دلیل یکی از مادران که از ابتدا موافق رفتن بچه‌ها به مدرسه بوده است می‌گوید: «کاش این نظرسنجی از ابتدا انجام می‌شد تا این دوگانگی بین ما پیش نیاید. در این مملکت آدم از فردایش خبر ندارد و بنابراین بهتر است که اگر می‌خواهیم کاری بکنیم در هر مورد و مشکلی، بهتر است که از قبل بین همه نظرسنجی شود و هر نظری که رأی بیشتری آورد، همه همان کار را بکنند. نرفتن مدرسه‌ها در یک روز هیچ سودی ندارد اما اگر نظر جمع بود من هم قبول می‌کردم. و همچنین برای هر تصمیمی که می‌گیریم در مورد بچه‌ها، بهتر است که دو روز قبلش این تصمیم را بگیریم تا بتوانیم برنامه‌ریزی کنیم.» یکی از مادران که می‌تواند در این دسته قرار بگیرد معتقد است که فقط در صورتی که بچه‌ها بتوانند آنلاین سر کلاس‌ها حاضر شوند، موافق نرفتن بچه‌ها به مدرسه است.

تقویت راهکارهای امنیتی

هم مادران دسته او و هم مادران دسته دوم، در مورد تقویت امنیت

مدرسه تا حدودی هم‌نظر بوده‌اند هرچند مادران دسته اول که می‌توان آن‌ها را مادران نگران نامید، بر تقویت راهکارهای امنیتی در مدرسه تأکید بیشتری داشته‌اند. ابتدا اینکه به مسئولان مدرسه در مورد جدی‌تر گرفتن انتظامات مدرسه گوشزد کرده‌اند. دوم اینکه برخی معتقدند (به‌ویژه مادران دسته اول که معتقد بوده‌اند فعلاً بچه‌ها به مدرسه نروند)، در صورت رفتن بچه‌ها به مدرسه در روزهای آتی، والدین بچه‌ها به‌صورت نوبتی در اطراف مدرسه کشیک بدهند. راهکار دیگر از نگاه برخی مادران، نفرستادن بچه‌ها به حیاط مدرسه و ماندن آن‌ها در ساختمان اصلی بوده است. با توجه به اینکه وقایع مسمومیت معمولاً در حیاط مدارس رخ داده است، برخی از مادران معتقدند با این کار و ماندن بچه‌ها در ساختمان اصلی مدرسه، حداقل اگر افراد مهاجم شیئی مسموم‌کننده را به داخل حیاط مدرسه پرتاب کنند، بچه‌ها در امان خواهند بود. مهم‌ترین راهکار امنیتی، رفتن بچه‌ها به حیاط مدرسه بوده است.

همبستگی و حل ریشه‌ای مسئله

برخی از مادران (دسته اول) مسئله را از زاویه همبستگی و اتحاد عمومی و همراهی با فراخوان عمومی تحریم مدرسه در روز شنبه هم دیده‌اند و اینکه با نفرستادن بچه‌ها به مدرسه در روز شنبه ۱۳ اسفند، با والدین و خانواده‌هایی که به‌طور مستقیم با این مسئله درگیر شده و بچه‌هایشان مسموم شده‌اند اعلام همبستگی و حمایت کنند. از این نگاه، با همبستگی و حمایت همه والدین و خانواده‌ها از همدیگر، به مقامات دولتی و مدرسه فشار زیادی خواهد آمد تا مشکل مسموم‌سازی را جدی بگیرند و برای حل و فصل آن، راهکارهای مطمئن ارائه داده و برای مردم توضیح دهند. به نظر یکی از مادران: «نه‌تنها در این مسئله بلکه در همه مسائلی که برای برخی از مردم رخ می‌دهد ما باید همراهی و حمایت کنیم. اگر این همراهی و حمایت عمومی نباشد و

هرکسی بگوید چون برای من و یا بچه من مشکلی پیش نیامده است پس من کاری ندارم، این کار هم غیراخلاقی است و هم اینکه مشکلات را ریشه‌ای حل نخواهد کرد و یک روز این مسئله و مشکل گریبان همه را خواهد گرفت.» در این مورد، مادران دسته دوم همدلی بیشتری نشان داده‌اند و البته یکی از مادران دسته اول نیز معتقد است که اگر فراخوان عمومی باشد من هم شرکت می‌کنم. او می‌گوید:

«من هم اگر فراخوانی برای حمایت و همبستگی باشد، شرکت می‌کنم اما در مورد روز شنبه هیچ فراخوانی نشنیدم و با والدین ۵ مدرسه که ارتباط دارم، آن‌ها نیز هیچ صحبتی در مورد نرفتن به مدرسه و فراخوان نگفته‌اند». در این مورد، همبستگی بین والدین کلاس هم مطرح شده است. یکی از والدین می‌گوید: «من در اینستاگرام، فراخوان را دیدم اما به نظرم، در کلاس ما بهتر است همه با هم تصمیم بگیریم که بچه‌ها را ببریم یا نبریم. اگر چند نفر می‌برند و چند نفر نمی‌برند، این فایده ندارد و من در این صورت بچه را به مدرسه می‌برم». به نظر این مادر، این کار باید جمعی باشد تا نتیجه بدهد و در صورتی که تفرقه باشد، نرفتن بچه‌ها به مدرسه نتیجه‌ای نخواهد داد و برای بچه هم خوب نیست. فراخوان عمومی، امری بوده است که هم مادران دسته اول و هم مادران دسته دوم با آن موافق بوده‌اند تا صدایشان را به گوش همه برسانند.

منابع خبری و میزان حساسیت

خبرهای بیشتر، حساسیت بیشتر: مادرانی که خبرهای تویتر و اینستاگرام را بیشتر چک می‌کنند، حساسیت و نگرانی بیشتری در مورد مسئله نشان داده‌اند. به نظر یکی از مادران: «کسانی هستند که فیلترشکن ندارند و یا اخبار را پیگیری نمی‌کنند یا فقط از صداوسیما می‌شوند. معلوم است که این افراد کلاً نگرانی کمتری دارند و مسئله را جدی نمی‌گیرند.» برخی از مادران دسته دوم که مسئله را کمتر جدی گرفته‌اند اساساً فیلترشکن نداشته‌اند و اخبار را چندان پیگیری نکرده‌اند.

روز ۱۳ اسفند، گسترش نگرانی

در روز ۱۳ اسفند، خبرها حاکی از آن بود که دختران در چندین مدرسه دیگر دچار مسمومیت شده و راهی بیمارستان شده‌اند. یکی از آن‌ها، مدرسه‌ای نزدیک مدرسه مورد تحقیق ما بوده است. به یک باره، همه مادران، نگرانی بیشتری نشان داده‌اند و قرار گذاشته‌اند که بچه‌ها را در روز ۱۴ اسفند به مدرسه نفرستند تا ببینند چه خواهد شد. یکی از مادران معتقد است که: «فعالاً فقط خودمان باید احساس مسئولیت کنیم چون هیچ سازمان و مسئولی برای حل و فصل این مشکل پیدا نشده و هیچ کسی پاسخگو نیست و اگر مشکلی برای بچه‌های ما پیش بیاید، هیچ کسی جوابگوی ما نخواهد بود و صدایمان به جایی نخواهد رسید.» به دلیل افزایش احساس ناامنی، مدرسه مذکور به دلیل مقاومت خانواده‌ها مجبور شد که کلاس‌های خود را به صورت آنلاین و حضوری برگزار کند.

چند نکته سیاستی

نامنی

امنیت در دوران جدید در سطح کلان خود به دولت تفویض شده است. این مساله از سوی جامعه بدیهی تلقی می‌شود و این باور عمومیت یافته که آحاد افراد جامعه موظف به تامین امنیت نیستند. یعنی قرار نیست شما نگران امنیت در جایی مثل مدرسه باشید؛ امن بودن مدرسه در ذهن جمعی جامعه بدیهی تلقی می‌شود. اما حال و با همه گیر شدن احساس ناامنی از سویی و بازنمایی گسیخته از پروتکل‌های امنیتی در مواجهه با بحران مسمومیت دختران از سویی دیگر، کم‌کم این انگاره را در میان اولیای مدارس اولیا، و جامعه ثانياً، تقویت می‌کند که برای حفظ امنیت و جانمان، خودمان باید دست به کار شویم؛ همین آغاز دوباره بر تشدید بحران است. بیش از ۱۰۰ روز در شرایط تعلیقی، که از ابتدا با انکار و

طبیعی‌انگاری شروع شد و با توطئه‌افزایی، به نقطه اوج بحران رسید، حس ناامنی را در یکی از روزمره‌ترین روندهای زندگی، یعنی سالم رفتن و سالم برگشتن از مدرسه، تشدید کرد. احساس ناامنی زمانی که تبدیل به انگیزه‌ای برای برقراری خودبنیاد امنیت توسط اجزای جامعه شود، جز آن‌که شکاف حاکمیت و مردم را تعمیق می‌کند، احساس‌گذار از دولت را نیز تقویت می‌کند و از این رهگذر، پایه‌های امنیت کلان جامعه را فرو می‌ریزد و بی‌اعتباری، در همه سطوح، نظم اجتماعی را به نقطهٔ تکانه، نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند.

ابهام

تعلیق مساله، و ابهام در خاتمه‌بخشی به بحران‌ها و فیصله دادن به موضوعات، انگاره‌ای ته‌نشست‌شده در این سال‌ها از مواجهه دولت با اتفاقاتِ سالب امنیت جامعه است. نبودن یک روایت خاتمه‌بخش واحد در میان تریبون‌ها و رسانه‌های رسمی، تصعید مسائل به لایه‌های ناشناختهٔ توطئه‌آلود، و معلق ساختن آخر داستان و اضمحلال مسائل به جای فیصله یافتن آن‌ها را می‌توان از ماجرای اسیدپاشی‌ها تا بحران بنزینی ۹۸، و حتی فتنه ۸۸ و فهرست طولیلی از بحران‌های اجتماعی شدهٔ دیگر، دید. این‌که مراجع و تریبون‌های رسمی، در ۱۰۰ روز فهرست طولیلی از متهمین را برای مسمومیت‌های دختران ردیف کرده‌اند، بیشترین ضربهٔ شناختی را به جامعه می‌زند و حتی در صورت اثبات متهم بودن هر کدام از آن فهرست، باورپذیری کمی برای افکار عمومی خواهد داشت.

انکار

فرض کنید شما یک بیمار دچار اختلال هیستری هستید و به روان‌پزشک مراجعه می‌کنید؛ حالا تصور کنید روان‌پزشک از همان بدو شنیدن شرح حال شما، مدام بگوید خب شما دچار هیستری شده‌اید و در مقابل هر اظهار رنج و ناراحتی از سوی شما، پاسخ دهد که این هم از هیستری است دیگر. چه حالی می‌شوید؟! انسان‌ها بیش

از آن‌که در پی یافتن دلیل واقعی رنج خود باشند، در پی تسکین آن هستند. داشتن رویکرد تسکینی در التهابات در کنار دادن حس اطمینان از تسلط بر شرایط، می‌تواند روان‌رنجوری جامعه را تلطیف نماید. بازنمایی انکاری از سوی رسانه‌ها و مسئولین، نه تنها به کاهش التهاب نمی‌انجامد، بلکه آن را تشدید هم می‌کند. ایجاد حس فاصله ادراکی میان مردم و حاکمیت، نتیجه چنین رویکرد انکاری است. باید در گام اول با مساله همراه شد، و این احساس را به والدین نگران داد که ابعاد و حجم نگرانی ایشان از سوی حاکمیت درک شده است. حالا در ادامه می‌توان به ریشه‌یابی روان‌شناختی علل این نگرانی هم پرداخت، که آن هم کار پژوهشگران است نه صاحبان تربیون رسمی.

غیاب

در ماجرای مسمویت دختران، بنا بر شواهد موجود، نهادهای انتظامی و امنیتی از همان بدو ماجرا فعال شده‌اند، اما این فعال‌بودگی امنیتی نظام در مواجهه با این بحران، هیچ نمود رسانه‌ای نداشته است و غیاب سخنگویان امنیتی و متولیان مدیریت بحران، بی‌عملی و انفعال امنیتی را در ذهن جمعی جامعه متبادر می‌کند. بازنمایی تصویری فعال از وجه امنیتی نظام در مواجهه با بحران مسمویت سریالی دختران، و برساختن طرحواره مدیریت حرفه‌ای نیروهای امنیتی و ارائه نمودی از حضور اطمینان‌بخش ماموران و متخصصان در صحنه، لازمه آرام‌بخشی روانی و ادراکی برای جامعه درگیر با بحران بود. اما تعلل و انفعال در این امر، و رویت‌ناپذیری اقدامات و حساسیت‌های امنیتی در مواجهه با مساله، بحران شناختی را تشدید کرد.

حضور

ناهمسانی نیروهای انتظامی حاضر در صحنه با بافتار فرهنگی مدارس نکته دیگری است که به تشدید احساس ناامنی می‌انجامد. حضور افرادی که در افواه به آن‌ها "لباس شخصی" می‌گویند در حاشیه مدارس، عملاً

نه تنها به آرام شدن جو روانی پیرامونی مدارس کمکی نمی‌کند، بلکه آن‌ها را بدل به کانون شعارهای اعتراضی و محرک بازتولید فضای تقابلی ماه‌های اخیر می‌کند. از سویی دیگر چهره غالب مردانه از نیروهای انتظامی در محیطی دخترانه، باز نمودی حساسیت‌زا دارد. بازطراحی نحوه رویت‌پذیری نیروهای امنیتی در محیط مدارس و پیرامون آن ضروری‌ست.

بازی

به باور برخی پژوهشگران، نسل نوجوان امروز، همین دانش‌آموزان، جهان پیرامون را با منطق بازی‌وارگی ادراک می‌کنند؛ انگار همه آنچه در دنیای اطراف می‌گذرد، بخشی از یک گیم است. در مدیریت ادراکی رفتاری نسل جدید نیز می‌توان از ظرفیت‌های بازی‌وارگی استفاده کرد. می‌توان برای کنترل رفتاری در شرایط بحران، مساله را با منطق گیم، همان جهان زیسته بچه‌ها، مدیریت کرد. جلب مشارکت و همکاری دانش‌آموزان در پروسه کنترل بحران با تکیه بر طراحی بازی‌واره از شرایط، می‌تواند هم به کاهش اضطراب جمعی و تخلیه هیجان منتهی شود و احساس قربانی منفعل بودن را کاهش دهد.

صراحت

صراحت در تقبیح رویدادهای بحران‌زا می‌تواند جلوی بسیاری از کژنمایی‌ها را بگیرد. تعلل در اعلام موضع صریح نسبت به مساله‌ای همچون مسمویت دختران، فضا را برای اتهام زدن به حاکمیت و روایت‌سازی‌های نادرست فراهم می‌آورد. جرات اعلام موضع قاطع نباید تنها از سوی رهبری معظم انقلاب نمود یابد. موضع صریح، حکیمانه و قاطع ایشان در تقبیح بی‌چون و چرای ماجرای مسمومیت و دستور بدون لکنت ایشان برای پیگیری مساله می‌توانست چند هفته پیش‌تر از سوی مقامات ارشد دیگر نظام صورت پذیرد. در حالی که تعلل در اعلام مرزبندی قاطع با چنین بحرانی، اساس بسیاری از سناریوپردازی‌های رسانه‌های معاند قرار گرفت، ورود فیصله‌بخش رهبری توانست آشفستگی

پیشین مواضع اعلامی از سوی افراد منتسب به حاکمیت را جبران و هجمه رسانه‌ای را تضعیف نماید. جامعه در چنین موقعیت‌هایی اتفاقاً انتظار قاطعیت از حاکمیت دارد. ماجراهایی از این دست به خودی خود، تا پیش از شفاف شدن عوامل و محرک‌ها از سوی نهادهای مسئول، محمل سناریوپردازی‌های مختلف می‌شوند؛ انتظار از مقام رسمی آن است که در هنگامه بحران، خطوط و چارچوب‌ها را، ولو به نظر او روشن و بدیهی، چندباره و به صراحت تعیین و تبیین کند.

جمع‌بندی

بحران مسمومیت دختران، بار دیگر اهمیت ابعاد فرهنگی، شناختی و اجتماعی امنیت را آشکار ساخت. اعتماد به حاکمیت و مراجع رسانه‌ای و خبری می‌تواند در هنگامه بحران‌ها، یاری‌گر دولت‌ها برای کنترل شرایط باشد. بخش مهمی از برساخت این اعتماد ریشه در سیاست‌های فرهنگی و ارتباطی دارد. بازترمیم وجهه حاکمیت نزد افکار عمومی، تجدید روزآمد نمودن سیاست‌های امنیتی ناظر به تغییرات فرهنگی - اجتماعی نسلی، بازیابی صراحت، قاطعیت و شجاعت اعلام مواضع رسمی، توجه به بازنمایی موقعیت دولت در مواجهه با بحران‌ها و تغییر انگاره بی‌دولتی، ارتقاء نکویی رابطه دولت و ملت، اتخاذ رویکرد همدلانه با جامعه و جبران احساس فاصله اداری میان حاکمیت و مردم، بازآرایی ترکیب ستادهای مدیریت بحران و امنیت و بهره‌گیری از متخصصین فرهنگ و ارتباطات و در نهایت تلاش برای ارتقاء اعتماد نهادی و سرمایه اجتماعی حاکمیت، ضرورت‌های آموخته از دل این بحران است.

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵) امنیت عمومی به مثابه فرهنگ. فصلنامه امنیت عمومی، سال اول، شماره ۱
- برگر، پیتر، توماس لوکمان (۱۳۸۷) ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت. مترجم فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- بوزان، بری (۱۳۷۸) «مردم، دولت‌ها و هراس». تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین. ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی. پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۶) تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۳۵
- خزائی، علی‌اکبر (۱۳۸۸) امنیت فرهنگی. ماهنامه اطلاعات راهبردی. سال هفتم. شماره ۸۱
- صالحی امیری، سیدرضا و افسر افشار نادری (۱۳۹۲) امنیت اجتماعی. تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳) نظریه‌های امنیت. جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر ابرار معاصر
- ماندل، رابرت، (۱۳۷۷) چهره متغیر امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مینایی، حسین و یعقوب زهدی (۱۳۹۱) بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹.
- نصری، قدیر (۱۳۸۹) امنیت اجتماعی: مفاهیم، متغیرها و نظریه‌ها. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- گزارش‌های نظرسنجی مرکز افکارسنجی ایسپا (از سال ۱۳۸۳ لغایت ۱۴۰۰)
- سرمایه اجتماعی ایرانیان (سه موج مربوط به وزارت کشور؛ ۱۳۸۴، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷) و دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی: (۱۳۸۶)
- Buzan, Barry; Weaver, Ole; Jaap De Widdle (1998), "Security"; A New Framework, For Analysis.
- Buzan, Barry, Ole Ware And Jaap De Wild, (ED), (1998), Security z new Framework: For Analysis: Lynne Rienner Publication